

لایحه تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (اعاده شده از شورای نگهبان)

نظر شورا (۱۳۸۹/۱۰/۲۸)

نظر باینکه طبق اصل ۸۵ قانون اساسی مجلس نمی تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند، فقط در موارد ضروری می تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را به کمیسیونهای داخلی خود تفویض نماید، با توجه به اینکه دیوان عدالت اداری دارای قانون دائمی مصوب مجلس شورای اسلامی است و امور این دیوان بطور طبیعی جریان دارد و خلاء قانونی که جبران آن ضروری باشد در این خصوص وجود ندارد و هیچ ضرورتی برای تصویب این مصوبه در کمیسیون بصورت آزمایشی بدون جری مراحل عادی قانونگذاری نیست، علاوه بر وجود ابهام و اشکال عدیده در این مصوبه با عنایت بمراتب مذکوره تصویب آن توسط کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی تشخیص داده شد.

به فرض اینکه قانون موجود در برخی موارد نادر احتیاج به تغییر و اصلاح یا تکمیل داشته باشد باید به این نحو و به همان مقدار اکتفاء شود.

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)
بخش اول_ تشکیلات	***	***	بخش اول_ تشکیلات
ماده ۱_ در اجرای اصل یکصد و هفتاد و سوم (۱۷۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأموران، ادارات و آیین نامه های دولتی خلاف قانون یا شرع یا خارج از حدود اختیارات مقام تصویب کننده، دیوان عدالت اداری که در این قانون به اختصار «دیوان» نامیده می شود زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می گردد.	***	***	ماده ۱_ در اجرای اصل یکصد و هفتاد و سوم (۱۷۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأموران، ادارات و آیین نامه های دولتی خلاف قانون یا شرع یا خارج از حدود اختیارات مقام تصویب کننده، دیوان عدالت اداری که در این قانون به اختصار «دیوان» نامیده می شود زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می گردد.
ماده ۲_ دیوان در تهران مستقر است و متشکل از شعب بدوی، تجدیدنظر، هیأت عمومی و هیأت های تخصصی می باشد. تشکیلات قضائی، اداری و تعداد شعب دیوان به پیشنهاد رئیس دیوان و تصویب رئیس قوه قضائیه تعیین می شود.	***	ماده ۴۳_ شعب دیوان مشتمل بر شعب بدوی و تجدید نظر است. هر شعبه بدوی دیوان از یک رئیس یا دادرس علی البدل و هر شعبه تجدیدنظر از یک رئیس و دو مستشار تشکیل می شود. شعبه تجدید نظر با حضور دو عضو رسمیت می یابد و ملاک صدور رأی، نظر اکثریت است. آراء شعب تجدیدنظر دیوان قطعی است. تبصره ۱_ ... تبصره ۲_ ...	ماده ۲_ دیوان در تهران مستقر است و متشکل از شعب بدوی، تجدیدنظر، هیأت عمومی و هیأت های تخصصی می باشد. تشکیلات قضائی، اداری و تعداد شعب دیوان به پیشنهاد رئیس دیوان و تصویب رئیس قوه قضائیه تعیین می شود.

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
<p>ماده ۳ هر شعبه بدوی دیوان از یک رئیس یا دادرس علی‌البدل و هر شعبه تجدیدنظر از یک رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود. شعبه تجدید نظر با حضور دو عضو رسمیت می‌یابد و ملاک صدور رأی، نظر اکثریت است. آرای شعب تجدیدنظر دیوان قطعی است.</p> <p>تبصره ۱- چنانچه جلسه شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت یابد و هنگام صدور رأی اختلاف نظر حاصل شود، یک عضو مستشار توسط رئیس دیوان به آنان اضافه می‌شود.</p>	<p>ماده ۴۳ ...</p> <p>تبصره ۱- ...</p> <p>تبصره ۲- چنانچه جلسه شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت یابد و هنگام صدور رأی اختلاف نظر حاصل شود، یک عضو مستشار توسط رئیس دیوان به آنان اضافه می‌شود.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۳ هر شعبه بدوی دیوان از یک رئیس یا دادرس علی‌البدل و هر شعبه تجدیدنظر از یک رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود. شعبه تجدید نظر با حضور دو عضو رسمیت می‌یابد و ملاک صدور رأی، نظر اکثریت است. آراء شعب تجدیدنظر دیوان قطعی است.</p> <p>تبصره ۱- چنانچه جلسه شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت یابد و هنگام صدور رأی اختلاف نظر حاصل شود، یک عضو مستشار توسط رئیس دیوان به آنان اضافه می‌شود.</p>
<p>ماده ۴ قضات دیوان باید دارای ده سال سابقه کار قضائی باشند و به پیشنهاد رئیس دیوان با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند. در مورد قضات دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکترا در یکی از گرایش‌های رشته حقوق یا مدارک حوزوی معادل، داشتن پنج سال سابقه کار قضائی کافی است.</p> <p>تبصره ۱- قضاتی که حداقل پنج سال سابقه کار قضائی در دیوان دارند از شمول این ماده مستثنی می‌باشند.</p>	<p>***</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۴ قضات دیوان باید دارای ده سال سابقه کار قضائی باشند و به پیشنهاد رئیس دیوان با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند. در مورد قضات دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکترا در یکی از گرایش‌های رشته حقوق یا مدارک حوزوی معادل، داشتن پنج سال سابقه کار قضائی کافی است.</p> <p>تبصره ۱- قضاتی که حداقل پنج سال سابقه کار قضائی در دیوان دارند از شمول این ماده مستثنی می‌باشند.</p>
<p>ماده ۵ رئیس دیوان رئیس شعبه اول تجدید نظر دیوان نیز است و به تعداد مورد نیاز معاون و مشاور خواهد داشت. وی می‌تواند برخی اختیارات خود را به معاونان تفویض نماید.</p>	<p>ماده ۴۳ ...</p> <p>تبصره ۱- رئیس دیوان عدالت اداری رئیس شعبه اول تجدید نظر نیز می‌باشد.</p> <p>تبصره ۲- ...</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۵ رئیس دیوان رئیس شعبه اول تجدید نظر دیوان نیز می‌باشد و به تعداد مورد نیاز، معاون و مشاور خواهد داشت. وی می‌تواند برخی اختیارات خود را به معاونان تفویض نماید.</p>
<p>ماده ۶ به منظور تسهیل در دسترسی مردم به خدمات دیوان، دفاتر اداری دیوان در محل دادگستری یا دفاتر بازرسی کل کشور در هریک از مراکز استانها تأسیس می‌گردد. این دفاتر وظایف زیر را به عهده دارند:</p> <p>الف- راهنمایی و ارشاد مراجعان</p>	<p>ماده ۹۱ به منظور تسهیل در دسترسی مردم به خدمات دیوان، دفاتر اداری دیوان در محل دادگستری یا دفاتر بازرسی کل کشور در هریک از مراکز استانها تأسیس می‌گردد. این دفاتر وظایف زیر را به عهده دارند:</p> <p>الف- راهنمایی و ارشاد مراجعان</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۶ به منظور تسهیل در دسترسی مردم به خدمات دیوان، دفاتر اداری دیوان در محل دادگستری یا دفاتر بازرسی کل کشور در هریک از مراکز استانها تأسیس می‌گردد. این دفاتر وظایف زیر را به عهده دارند:</p> <p>الف- راهنمایی و ارشاد مراجعان</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)
<p>بـ پذیرش و ثبت دادخواستها و درخواستهای شکایان</p> <p>پـ ابلاغ نسخه دوم شکایات یا آراء صادر شده از سوی دیوان در حوزه آن دفتر که از طریق نمابر یا پست الکترونیکی یا به هر طریق دیگری از دیوان دریافت کرده‌اند.</p> <p>تـ انجام دستورات واحد اجرای احکام دیوان در حوزه مربوط به آن دفتر</p>		<p>بـ پذیرش و ثبت دادخواستها و درخواستهای شکایان</p> <p>جـ ابلاغ نسخه دوم شکایات یا آراء صادر شده از سوی دیوان در حوزه آن دفتر که از طریق نمابر یا پست الکترونیکی یا به هر طریق دیگری از دیوان دریافت کرده‌اند.</p> <p>دـ انجام دستورات واحد اجرای احکام دیوان در حوزه مربوط به آن دفتر</p>	<p>بـ پذیرش و ثبت دادخواستها و درخواستهای شکایان</p> <p>جـ ابلاغ نسخه دوم شکایات یا آراء صادر شده از سوی دیوان در حوزه آن دفتر که از طریق نمابر یا پست الکترونیکی یا به هر طریق دیگری از دیوان دریافت کرده‌اند</p> <p>دـ انجام دستورات واحد اجرای احکام دیوان در حوزه مربوط به آن دفتر</p>
<p>ماده ۷ـ دیوان می‌تواند به تعداد مورد نیاز کارشناسانی از رشته‌های مختلف که حداقل دارای ده سال سابقه کار اداری و مدرک کارشناسی یا بالاتر باشند، به عنوان مشاور دیوان داشته باشد.</p> <p>در صورت نیاز هریک از شعب به مشاوره و کارشناسی، به درخواست شعبه یا به تشخیص رئیس دیوان، کارشناس مشاور توسط رئیس دیوان به شعبه معرفی می‌شود. در این صورت کارشناس پس از بررسی موضوع، نتیجه را به‌طور مکتوب به شعبه ارائه می‌کند تا در پرونده درج شود. قاضی شعبه با ملاحظه نظر وی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.</p> <p>تبصرهـ حقوق و مزایای مشاورینی که در اجرای ماده (۹) قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۹/۲۵ منسوب شده‌اند مطابق مقررات زمان انتصاب محاسبه و پرداخت می‌شود.</p>	***	***	<p>ماده ۷ـ دیوان می‌تواند به تعداد مورد نیاز کارشناسانی از رشته‌های مختلف که حداقل دارای ده سال سابقه کار اداری و مدرک کارشناسی یا بالاتر باشند، به عنوان مشاور دیوان داشته باشد.</p> <p>در صورت نیاز هریک از شعب به مشاوره و کارشناسی، به درخواست شعبه یا به تشخیص رئیس دیوان، کارشناس مشاور توسط رئیس دیوان به شعبه معرفی می‌شود. در این صورت کارشناس پس از بررسی موضوع، نتیجه را به‌طور مکتوب به شعبه ارائه می‌کند تا در پرونده درج شود. قاضی شعبه با ملاحظه نظر وی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.</p> <p>تبصرهـ حقوق و مزایای مشاورینی که در اجرای ماده (۹) قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵ منسوب شده‌اند مطابق مقررات زمان انتصاب محاسبه و پرداخت می‌شود.</p>
<p>ماده ۸ـ هیأت عمومی دیوان با شرکت حداقل دو سوم قضات دیوان به ریاست رئیس دیوان و یا معاون قضائی وی تشکیل می‌شود و ملاک صدور رأی، نظر اکثریت</p>	***	***	<p>ماده ۸ـ هیأت عمومی دیوان با شرکت حداقل دو سوم قضات دیوان به ریاست رئیس دیوان و یا معاون قضائی وی تشکیل می‌شود و ملاک صدور رأی، نظر اکثریت</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
اعضاء حاضر است. تبصره_ مشاوران و کارشناسان موضوع ماده(۷) این قانون می توانند با دعوت رئیس دیوان بدون داشتن حق رأی، در جلسات هیأت عمومی شرکت کنند و در صورت لزوم نظرات کارشناسی خود را ارائه نمایند.			اعضاء حاضر است. تبصره_ مشاوران و کارشناسان موضوع ماده(۷) این قانون می توانند با دعوت رئیس دیوان بدون داشتن حق رأی، در جلسات هیأت عمومی شرکت کنند و در صورت لزوم نظرات کارشناسی خود را ارائه نمایند.
ماده ۹_ واحد اجرای احکام دیوان زیر نظر رئیس دیوان یا معاون وی، انجام وظیفه می نماید که از تعداد کافی، دادرس اجرای احکام، مدیر دفتر و کارمند برخوردار است. تبصره_ برای دادرسان اجرای احکام، داشتن حداقل ده سال سابقه قضائی و یا پنج سال سابقه قضائی با داشتن مدرک کارشناسی ارشد یا دکترا در رشته های حقوق و الهیات (گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی) یا معادل حوزوی آن لازم است.	ماده ۸۰_ برای دادرسان اجرای احکام، داشتن حداقل ده سال سابقه قضائی و یا پنج سال سابقه قضائی با داشتن مدرک کارشناسی ارشد یا دکترا در رشته های حقوق و الهیات (گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی) یا معادل حوزوی آن لازم است.	تذکره: ۴_ در ماده (۸۰)، واژه «معادل» به «همتراز» اصلاح گردد.	ماده ۹_ واحد اجرای احکام دیوان زیر نظر رئیس دیوان یا معاون وی، انجام وظیفه می نماید که از تعداد کافی، دادرس اجرای احکام، مدیر دفتر و کارمند برخوردار است. تبصره_ برای دادرسان اجرای احکام، داشتن حداقل ده سال سابقه قضائی و یا پنج سال سابقه قضائی با داشتن مدرک کارشناسی ارشد یا دکترا در رشته های حقوق و الهیات (گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی) یا معادل حوزوی آن لازم است.
بخش دوم_ آئین دادرسی فصل اول_ صلاحیت	***	***	بخش دوم _ آیین دادرسی فصل اول_ صلاحیت
ماده ۱۰_ صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است: ۱_ رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص اشخاص حقیقی یا حقوقی از: الف_ تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه ها، سازمان ها، مؤسسات، شرکت های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و کلیه مؤسسات وابسته به آنها و سایر دستگاههایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است. ب_ تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در بند «الف» دراموری که راجع به وظایف آنها است .	***	***	ماده ۱۰_ صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است: ۱_ رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از: الف_ تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه ها، سازمان ها، مؤسسات، شرکت های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و کلیه مؤسسات وابسته به آنها و سایر دستگاههایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است. ب_ تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در بند «الف» در امور که راجع به وظایف آنها است.

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)
<p>۲_ رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده(۱۰۰) قانون شهرداریها از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها</p> <p>۳_ رسیدگی به شکایات مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مستخدمان، نهادها و مؤسسات مذکور در ماده(۱۱۷) قانون فوق‌الذکر و مستخدمان مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است اعم از لشکری و کشوری از حیث تضييع حقوق استخدامی</p> <p>تبصره ۱_ تعیین میزان خسارات وارده از ناحیه مؤسسات و اشخاص مذکور در بندهای (۱) و (۲) این ماده‌پس از احراز تخلف ضمن صدور رأی در دیوان با دادگاه عمومی است.</p> <p>تبصره ۲_ تصمیمات و آراء دادگاهها و سایر مراجع قضائی دادگستری و سازمان قضائی نیروهای مسلح و دادگاههای انتظامی قضات دادگستری قابل شکایت در دیوان عدالت اداری نیست.</p>	<p style="text-align: center;">***</p>	<p style="text-align: center;">***</p>	<p>۲_ رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده(۱۰۰) قانون شهرداریها از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها</p> <p>۳_ رسیدگی به شکایات مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مستخدمان، نهادها و مؤسسات مذکور در ماده(۱۱۷) قانون فوق‌الذکر و مستخدمان مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است اعم از لشکری و کشوری از حیث تضييع حقوق استخدامی</p> <p>تبصره ۱_ تعیین میزان خسارات وارده از ناحیه مؤسسات و اشخاص مذکور در بندهای «۱» و «۲» این ماده‌پس از احراز تخلف ضمن صدور رأی در دیوان با دادگاه عمومی است.</p> <p>تبصره ۲_ تصمیمات و آراء دادگاهها و سایر مراجع قضائی دادگستری و سازمان قضائی نیروهای مسلح و دادگاههای انتظامی قضات دادگستری قابل شکایت در دیوان عدالت اداری نیست.</p>
<p>ماده ۱۱_ در صورتی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت، موجب تضييع حقوق اشخاص شده باشد، شعبه رسیدگی کننده، حکم بر نقض رأی یا لغو اثر از تصمیم و اقدام مورد شکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق شده، صادر می‌نماید.</p> <p>تبصره_ پس از صدور حکم و قطعیت آن براساس ماده‌فوق، مرجع محکوم‌علیه علاوه بر اجرای حکم،</p>	<p style="text-align: center;">***</p>	<p style="text-align: center;">***</p>	<p>ماده ۱۱_ در صورتی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت، موجب تضييع حقوق اشخاص شده باشد، شعبه رسیدگی کننده، حکم بر نقض رأی یا لغو اثر از تصمیم و اقدام مورد شکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق تضييع شده، صادر می‌نماید.</p> <p>تبصره_ پس از صدور حکم و قطعیت آن براساس ماده‌فوق، مرجع محکوم‌علیه علاوه بر اجرای حکم،</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)
<p>مكلف به رعایت مفاد آن در تصمیمات و اقدامات بعدی خود در موارد مشابه است.</p>			<p>مكلف به رعایت مفاد آن در تصمیمات و اقدامات بعدی خود در موارد مشابه است.</p>
<p>ماده ۱۲ - حدود صلاحیت و وظایف هیأت عمومی دیوان به شرح زیر است:</p> <p>۱- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداریها از حیث مخالفت مدلول آنها با شرع یا قانون اعم از اساسی و عادی و احقاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون اعم از اساسی و عادی و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضييع حقوق اشخاص می شود.</p> <p>۲- صدور رأی وحدت رویه در موارد مشابه که آراء متعارض از شعب دیوان صادر شده باشد.</p> <p>۳- صدور رأی ایجاد رویه که در موضوع واحد، آراء مشابه متعدد از شعب دیوان صادر شده باشد.</p> <p>تبصره ۱- رسیدگی به تصمیمات قضائی قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان، شورای عالی امنیت ملی از شمول این ماده خارج است.</p> <p>تبصره ۲- مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در مواردی که خارج از حدود اختیارات و وظایف این شورا باشد قابل شکایت و رسیدگی در هیأت عمومی دیوان است.</p>	<p>ماده ۶۲ (۶۲) علاوه بر وجود همان ایراد قبلی این شورا موضوع نامه شماره ۸۹/۳۰/۴۱۲۳۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸، مغایر اصول ۵۷، ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۶۲ - مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در مواردی که خارج از حدود اختیارات و وظایف این شورا باشد قابل شکایت و رسیدگی در هیأت عمومی دیوان است.</p>	<p>ماده ۱۲ - حدود صلاحیت و وظایف هیأت عمومی دیوان به شرح زیر است:</p> <p>۱- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداریها از حیث مخالفت مدلول آنها با شرع یا قانون اعم از اساسی و عادی و احقاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون اعم از اساسی و عادی و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضييع حقوق اشخاص می شود.</p> <p>۲- صدور رأی وحدت رویه در موارد مشابه که آراء متعارض از شعب دیوان صادر شده باشد.</p> <p>۳- صدور رأی ایجاد رویه که در موضوع واحد، آراء مشابه متعدد از شعب دیوان صادر شده باشد.</p> <p>تبصره ۱- رسیدگی به تصمیمات قضائی قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان، شورای عالی امنیت ملی از شمول این ماده خارج است.</p> <p>تبصره ۲- مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در مواردی که خارج از حدود اختیارات و وظایف این شورا باشد قابل شکایت و رسیدگی در هیأت عمومی دیوان است.</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
تبصره ۳_ مصوبات اداری قوه قضائیه و کلیه مصوبات سازمان‌های وابسته به آن و نیز کلیه مصوبات اداری مجلس شورای اسلامی قابل شکایت و رسیدگی در هیأت عمومی دیوان است.	ماده ۶۳_ مصوبات اداری قوه قضائیه و کلیه مصوبات سازمان‌های وابسته به آن و نیز کلیه مصوبات اداری مجلس شورای اسلامی قابل شکایت و رسیدگی در هیأت عمومی دیوان است.	۸_ ماده (۶۳) علاوه بر وجود همان ایراد قبلی این شورا موضوع نامه شماره ۸۹/۳۰/۴۱۲۳۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸، مغایر اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی شناخته شد.	تبصره ۳_ مصوبات اداری قوه قضائیه و کلیه مصوبات سازمان‌های وابسته به آن قابل شکایت و رسیدگی در هیأت عمومی دیوان است.
ماده ۱۳_ اثر ابطال مصوبات از زمان صدور رأی هیأت عمومی است مگر در مورد مصوبات خلاف شرع یا در مواردی که به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، هیأت مذکور اثر آن را به زمان تصویب مصوبه مترتب نماید.	***	***	ماده ۱۳_ اثر ابطال مصوبات از زمان صدور رأی هیأت عمومی است مگر در مورد مصوبات خلاف شرع یا در مواردی که به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، هیأت مذکور اثر آن را به زمان تصویب مصوبه مترتب نماید.
ماده ۱۴_ مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین شعب دیوان و سایر مراجع قضائی، شعب دیوان عالی کشور است.	***	***	ماده ۱۴_ مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین شعب دیوان و سایر مراجع قضائی، شعب دیوان عالی کشور است.
ماده ۱۵_ صدور حکم اصلاحی، رفع ابهام و اشکال، دستور اجرای حکم و انفصال مستنکف و هرگونه اقدامی که مستلزم تصمیم‌گیری مجدد است، به‌عهد شعبه صادرکننده رأی قطعی است.	***	***	ماده ۱۵_ صدور حکم اصلاحی، رفع ابهام و اشکال، دستور اجرای حکم و انفصال مستنکف و هرگونه اقدامی که مستلزم تصمیم‌گیری مجدد است، به‌عهد شعبه صادرکننده رأی قطعی است.
فصل دوم_ ترتیب رسیدگی مبحث اول_ رسیدگی در شعب بدوی اول_ دادخواست	مبحث اول_ ترتیب رسیدگی در شعب بدوی بند اول_ دادخواست	***	فصل دوم_ ترتیب رسیدگی مبحث اول_ رسیدگی در شعب بدوی اول_ دادخواست
ماده ۱۶_ رسیدگی در شعب دیوان، مستلزم تقدیم دادخواست است. دادخواست باید به زبان فارسی روی برگه‌های مخصوص، تنظیم شود. تبصره ۱_ پرونده‌هایی که با صدور قرار عدم صلاحیت، از مراجع قضائی دیگر به دیوان ارسال می‌شود، نیازی به تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی ندارد. تبصره ۲_ مهلت تقدیم دادخواست، راجع به موارد موضوع	ماده ۱۳_ مهلت تقدیم دادخواست راجع به موارد موضوع بند (۲) ماده (۱۳) قانون دیوان عدالت اداری برای اشخاص داخل کشور سه ماه و برای افراد مقیم خارج از کشور شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا تصمیم قطعی مرجع مربوط مطابق قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) است. مراجع مربوط مکلفند در رأی یا تصمیم خود تصریح نمایند و رأی با تصمیم آنها	ماده ۱۶_ رسیدگی در شعب دیوان، مستلزم تقدیم دادخواست است. دادخواست باید به زبان فارسی روی برگه‌های مخصوص، تنظیم شود. تبصره ۱_ پرونده‌هایی که با صدور قرار عدم صلاحیت، از مراجع قضائی دیگر به دیوان ارسال می‌شود، نیازی به تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی ندارد. تبصره ۲_ مهلت تقدیم دادخواست، راجع به موارد موضوع	ماده ۱۶_ رسیدگی در شعب دیوان، مستلزم تقدیم دادخواست است. دادخواست باید به زبان فارسی روی برگه‌های مخصوص، تنظیم شود. تبصره ۱_ پرونده‌هایی که با صدور قرار عدم صلاحیت، از مراجع قضائی دیگر به دیوان ارسال می‌شود، نیازی به تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی ندارد. تبصره ۲_ مهلت تقدیم دادخواست، راجع به موارد موضوع

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)
<p>بند(۲) ماده(۱۰) این قانون، برای اشخاص داخل کشور سه ماه و برای افراد مقیم خارج از کشور شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا تصمیم قطعی مرجع مربوط مطابق قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) است. مراجع مربوط مکلفند در رأی یا تصمیم خود تصریح نمایند که رأی یا تصمیم آنها ظرف مدت مزبور در دیوان قابل اعتراض است. در مواردی که ابلاغ واقعی نبوده و ذی نفع ادعای عدم اطلاع از آن را بنماید شعبه دیوان در ابتدا به موضوع ابلاغ رسیدگی می نماید.</p>		<p>ظرف مدت مزبور در دیوان قابل اعتراض است در مواردی که ابلاغ واقعی نبوده و ذی نفع ادعای عدم اطلاع از آن را بنماید شعبه دیوان در ابتدا به موضوع ابلاغ رسیدگی می نماید.</p>	<p>بند «۲» ماده(۱۰) این قانون، برای اشخاص داخل کشور سه ماه و برای افراد مقیم خارج از کشور شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا تصمیم قطعی مرجع مربوط مطابق قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) است. مراجع مربوط مکلفند در رأی یا تصمیم خود تصریح نمایند که رأی یا تصمیم آنها ظرف مدت مزبور در دیوان قابل اعتراض است. در مواردی که ابلاغ واقعی نبوده و ذی نفع ادعای عدم اطلاع از آن را بنماید شعبه دیوان در ابتدا به موضوع ابلاغ رسیدگی می نماید.</p>
<p>ماده ۱۷ - شعب دیوان به شکایتی رسیدگی می کنند که شخص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی، رسیدگی به شکایت را برابر قانون، درخواست کرده باشد.</p>	***	<p>ماده ۴ - شعب دیوان به شکایتی رسیدگی می کنند که شخص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی، رسیدگی به شکایت را برابر قانون، درخواست کرده باشد.</p>	<p>ماده ۱۷ - شعب دیوان به شکایتی رسیدگی می کنند که شخص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی، رسیدگی به شکایت را برابر قانون، درخواست کرده باشد.</p>
<p>ماده ۱۸ - دادخواست باید حاوی نکات زیر باشد:</p> <p>الف - مشخصات شاکی</p> <p>۱ - نام و نام خانوادگی، نام پدر، تاریخ تولد، کد ملی، شغل، تابعیت و اقامتگاه برای اشخاص حقیقی</p> <p>۲ - نام، شماره ثبت، اقامتگاه اصلی و شماره تلفن تماس برای اشخاص حقوقی</p> <p>ب - مشخصات طرف شکایت</p> <p>۱ - نام و نام خانوادگی، سمت و نشانی دقیق محل کار مأمور دولت</p> <p>۲ - نام کامل دستگاههای موضوع ماده(۱۰) این قانون</p> <p>پ - نام و نام خانوادگی و اقامتگاه وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی شاکی، در صورت تقدیم دادخواست توسط آنان</p> <p>ت - موضوع شکایت و خواسته</p>	<p>۱ - اطلاق جزء (۱) بند (ب) ماده (۱) در مواردی که امکان معرفی به این نحو نباشد اما مأمور قابل شناسایی باشد، خلاف موازین شرع و همچنین مغایر اصل ۳۴ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۱ - رسیدگی در دیوان عدالت اداری که در این قانون به اختصار (دیوان) نامیده می شود مستلزم تقدیم دادخواست است و باید حاوی نکات زیر باشد:</p> <p>الف - مشخصات شاکی</p> <p>۱ - نام و نام خانوادگی، نام پدر، تاریخ تولد، کد ملی، شغل، تابعیت و اقامتگاه برای اشخاص حقیقی</p> <p>۲ - نام، شماره ثبت، اقامتگاه اصلی و شماره تلفن تماس برای اشخاص حقوقی.</p> <p>ب - مشخصات طرف شکایت</p> <p>۱ - نام و نام خانوادگی، سمت و نشانی دقیق محل کار مأمور دولت</p> <p>۲ - نام کامل دستگاههای موضوع ماده(۱۰) این قانون</p> <p>د - موضوع شکایت و خواسته</p>	<p>ماده ۱۸ - دادخواست باید حاوی نکات زیر باشد:</p> <p>الف - مشخصات شاکی</p> <p>۱ - نام و نام خانوادگی، نام پدر، تاریخ تولد، کد ملی، شغل، تابعیت و اقامتگاه برای اشخاص حقیقی</p> <p>۲ - نام، شماره ثبت، اقامتگاه اصلی و شماره تلفن تماس برای اشخاص حقوقی.</p> <p>ب - مشخصات طرف شکایت</p> <p>۱ - نام و نام خانوادگی، سمت و نشانی دقیق محل کار مأمور دولت</p> <p>۲ - نام کامل دستگاههای موضوع ماده(۱۰) این قانون</p> <p>ج - نام و نام خانوادگی و اقامتگاه وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی شاکی، در صورت تقدیم دادخواست توسط آنان</p> <p>د - موضوع شکایت و خواسته</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)
<p>ث- شرح شکایت</p> <p>ج- مدارک و دلایل مورد استناد</p> <p>چ- امضاء یا اثر انگشت شاکی یا وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی وی و یا امضاء و مهر شخص حقوقی ذیل دادخواست</p> <p>ح- مدرک اثبات کننده سمت برای اشخاص حقوقی و نمایندگان قانونی</p> <p>تبصره- شاکی می تواند علاوه بر نشانی پستی، نشانی پست الکترونیکی یا شماره تلفن همراه یا نامبر خود را به منظور ابلاغ اوراق اعلام نماید که در این صورت امر ابلاغ به یکی از طرق مزبور کافی است.</p>	<p>تذکره: ۱- در بند (ج) ماده (۱) ظاهراً منظور این است که شاکی شخص حقوقی یا نماینده حقوقی وی می باشد که باید به این امر تصریح شود.</p> <p>تذکره: ۲- در تبصره بند (ح) ماده (۱) کلمه «طروق» به کلمه «طرق» اصلاح شود.</p>	<p>ج- نام و نام خانوادگی و اقامتگاه وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی شاکی، در صورت تقدیم دادخواست توسط آنان</p> <p>د- موضوع شکایت و خواسته</p> <p>ه- شرح شکایت</p> <p>و- مدارک و دلایل مورد استناد</p> <p>ز- امضاء یا اثر انگشت شاکی یا وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی وی و یا امضاء و مهر شخص حقوقی ذیل دادخواست</p> <p>ح- مدرک اثبات کننده سمت برای اشخاص حقوقی و نمایندگان قانونی</p> <p>تبصره- شاکی می تواند علاوه بر نشانی پستی، نشانی پست الکترونیکی یا شماره تلفن همراه یا نامبر خود را به منظور ابلاغ اوراق اعلام نماید که در این صورت امر ابلاغ به یکی از طرق مزبور کافی است.</p>	<p>ه- شرح شکایت</p> <p>و- مدارک و دلایل مورد استناد</p> <p>ز- امضاء یا اثر انگشت شاکی یا وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی وی و یا امضاء و مهر شخص حقوقی ذیل دادخواست</p> <p>ح- مدرک اثبات کننده سمت برای اشخاص حقوقی و نمایندگان قانونی</p> <p>تبصره- شاکی می تواند علاوه بر نشانی پستی، نشانی پست الکترونیکی یا شماره تلفن همراه یا نامبر خود را به منظور ابلاغ اوراق اعلام نماید که در این صورت امر ابلاغ به یکی از طرق مزبور کافی است.</p>
<p>ماده ۱۹- هزینه دادرسی در شعب بدوی دیوان، یکصد هزار ریال و در شعب تجدید نظر دویست هزار ریال است.</p> <p>تبصره- مبلغ مذکور در این ماده به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هر سه سال یک بار به پیشنهاد رئیس دیوان و تأیید رئیس قوه قضائیه و تصویب هیأت وزیران قابل تعدیل می باشد.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۲- هزینه دادرسی در شعب بدوی دیوان، یکصد هزار ریال و در شعب تجدید نظر دویست هزار ریال است. مبلغ مذکور در این ماده به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هر سه سال یک بار به پیشنهاد رئیس دیوان و تأیید رئیس قوه قضائیه و تصویب هیأت وزیران قابل تعدیل می باشد.</p>	<p>ماده ۱۹- هزینه دادرسی در شعب بدوی دیوان، یکصد هزار ریال و در شعب تجدید نظر دویست هزار ریال است.</p> <p>تبصره- مبلغ مذکور در این ماده به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هر سه سال یک بار به پیشنهاد رئیس دیوان و تأیید رئیس قوه قضائیه و تصویب هیأت وزیران قابل تعدیل می باشد.</p>
<p>ماده ۲۰- شاکی باید رونوشت یا تصویر خوانا و گواهی شده اسناد و مدارک مورد استناد خود را پیوست دادخواست نماید.</p> <p>تبصره ۱- تصویر یا رونوشت مدارک باید به وسیله</p>	<p>۲- در تبصره (۲) ماده (۲) اگر امکان دسترسی به اسناد و مدارک که در اختیار دستگاه و شخص طرف است نباشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۲۰- شاکی باید رونوشت یا تصویر خوانا و گواهی شده اسناد و مدارک مورد استناد خود را پیوست دادخواست نماید.</p> <p>تبصره ۱- تصویر یا رونوشت مدارک باید به وسیله</p>	<p>ماده ۲۰- شاکی باید رونوشت یا تصویر خوانا و گواهی شده اسناد و مدارک مورد استناد خود را پیوست دادخواست نماید.</p> <p>تبصره ۱- تصویر یا رونوشت مدارک باید به وسیله دبیرخانه و یا دفاتر شعب دیوان و یا دفاتر اداری مستقر در</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
<p>مراکز استان‌ها و یا دفاتر دادگاه‌های عمومی، دفاتر اسناد رسمی، وکیل شاکي یا واحدهای دولتي و عمومي تصدیق شود. در صورتی که رونوشت یا تصویر سند، خارج از کشور تهیه شده باشد، مطابقت آن با اصل، باید در دفتر یکی از سفارتخانه‌ها یا کنسولگری‌ها و یا دفاتر نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران، گواهی شود.</p> <p>تبصره ۲- در مواردی که تصدیق اسناد و مدارک مربوط به واحدهای دولتي و عمومي از سوی شاکي ممکن نباشد، دیوان مکلف به قبول تصویر یا رونوشت گواهی نشده خواهد بود ولی باید تصدیق آنها با اصل اسناد را از واحد مربوط بخواهد.</p>	<p>دبیرخانه و یا دفاتر شعب دیوان و یا دفاتر اداری مستقر در مراکز استان‌ها و یا دفاتر دادگاه‌های عمومی، دفاتر اسناد رسمی، وکیل شاکي یا واحدهای دولتي و عمومي تصدیق شود. در صورتی که رونوشت یا تصویر سند، خارج از کشور تهیه شده باشد، مطابقت آن با اصل، باید در دفتر یکی از سفارتخانه‌ها یا کنسولگری‌ها و یا دفاتر نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران، گواهی شود.</p> <p>تبصره ۲- در مواردی که تصدیق اسناد و مدارک مربوط به واحدهای دولتي و عمومي از سوی شاکي ممکن نباشد، دیوان مکلف به قبول تصویر یا رونوشت گواهی نشده خواهد بود ولی باید تصدیق آنها با اصل اسناد را از واحد مربوط بخواهد.</p>	<p>دبیرخانه و یا دفاتر شعب دیوان و یا دفاتر اداری مستقر در مراکز استانها و یا دفاتر دادگاههای عمومی، دفاتر اسناد رسمی، وکیل شاکي یا واحدهای دولتي و عمومي تصدیق شود. در صورتی که رونوشت یا تصویر سند، خارج از کشور تهیه شده باشد، مطابقت آن با اصل، باید در دفتر یکی از سفارتخانه‌ها یا کنسولگری‌ها و یا دفاتر نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران، گواهی شود.</p> <p>تبصره ۲- در مواردی که تصدیق اسناد و مدارک مربوط به واحدهای دولتي و عمومي از سوی شاکي ممکن نباشد، دیوان مکلف به قبول تصویر یا رونوشت گواهی نشده است ولی باید تصدیق آنها با اصل اسناد را از واحد مربوط بخواهد.</p>	<p>دبیرخانه و یا دفاتر شعب دیوان و یا دفاتر اداری مستقر در مراکز استانها و یا دفاتر دادگاههای عمومی، دفاتر اسناد رسمی، وکیل شاکي یا واحدهای دولتي و عمومي تصدیق شود. در صورتی که رونوشت یا تصویر سند، خارج از کشور تهیه شده باشد، مطابقت آن با اصل، باید در دفتر یکی از سفارتخانه‌ها یا کنسولگری‌ها و یا دفاتر نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران، گواهی شود.</p> <p>تبصره ۲- در مواردی که تصدیق اسناد و مدارک مربوط به واحدهای دولتي و عمومي از سوی شاکي ممکن نباشد، دیوان مکلف به قبول تصویر یا رونوشت گواهی نشده است ولی باید تصدیق آنها با اصل اسناد را از واحد مربوط بخواهد.</p>
<p>ماده ۲۱- در صورتی که سند به زبان فارسی نباشد، علاوه بر تصویر یا رونوشت گواهی شده، ترجمه گواهی شده آن نیز باید پیوست شود. صحت ترجمه و مطابقت تصویر یا رونوشت با اصل، باید به وسیله مترجمان رسمی یا سفارتخانه‌ها یا کنسولگری‌ها و یا دفاتر نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، گواهی شود.</p>	<p>ماده ۳- در صورتی که سند به زبان فارسی نباشد، علاوه بر تصویر یا رونوشت گواهی شده، ترجمه گواهی شده آن نیز باید پیوست شود. صحت ترجمه و مطابقت تصویر یا رونوشت با اصل، باید به وسیله مترجمان رسمی یا سفارتخانه‌ها یا کنسولگری‌ها و یا دفاتر نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور گواهی شود.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۲۱- در صورتی که سند به زبان فارسی نباشد، علاوه بر تصویر یا رونوشت گواهی شده، ترجمه گواهی شده آن نیز باید پیوست شود. صحت ترجمه و مطابقت تصویر یا رونوشت با اصل، باید به وسیله مترجمان رسمی یا سفارتخانه‌ها یا کنسولگری‌ها و یا دفاتر نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، گواهی شود.</p>
<p>ماده ۲۲- هرگاه دادخواست توسط وکیل یا قائم‌مقام و یا نماینده قانونی شاکي تقدیم شده باشد، باید تصویر یا رونوشت گواهی شده سند مثبت سمت دادخواست‌دهنده نیز ضمیمه گردد.</p>	<p>ماده ۵- هرگاه دادخواست توسط وکیل یا قائم‌مقام و یا نماینده قانونی شاکي تقدیم شده باشد، باید تصویر یا رونوشت گواهی شده سند مثبت سمت دادخواست‌دهنده نیز ضمیمه گردد.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۲۲- هرگاه دادخواست توسط وکیل یا قائم‌مقام و یا نماینده قانونی شاکي تقدیم شده باشد، باید تصویر یا رونوشت گواهی شده سند مثبت سمت دادخواست‌دهنده نیز ضمیمه گردد.</p>
<p>ماده ۲۳- دادخواست و ضمایم آن باید به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه تهیه شود. این اوراق و همچنین اوراق مربوط به رفع نقص و تکمیل دادخواست، باید به وسیله پست سفارشی یا پست الکترونیکی دیوان یا</p>	<p>ماده ۶- دادخواست و ضمایم آن باید به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه تهیه شود. این اوراق و همچنین اوراق مربوط به رفع نقص و تکمیل دادخواست، باید به وسیله پست سفارشی یا پست الکترونیکی دیوان یا</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۲۳- دادخواست و ضمایم آن باید به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه تهیه شود. این اوراق و همچنین اوراق مربوط به رفع نقص و تکمیل دادخواست، باید به وسیله پست سفارشی یا پست الکترونیکی دیوان یا</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
ثبت در پایگاه الکترونیکی، به دبیرخانه دیوان ارسال و یا به دبیرخانه دیوان یا دفاتر اداری آن، مستقر در مراکز استان ها تسلیم گردد. تاریخ ثبت دادخواست در دبیرخانه دیوان و یا پایگاه الکترونیکی و یا تسلیم آن به پست سفارشی و یا ارسال از طریق پست الکترونیکی یا دفاتر اداری دیوان، تاریخ تقدیم محسوب می شود.	ثبت در پایگاه الکترونیکی، به دبیرخانه دیوان ارسال و یا به دبیرخانه دیوان یا دفاتر اداری آن، مستقر در مراکز استان ها تسلیم گردد. تاریخ ثبت دادخواست در دبیرخانه دیوان و یا پایگاه الکترونیکی و یا تسلیم آن به پست سفارشی و یا ارسال از طریق پست الکترونیکی یا دفاتر اداری دیوان، تاریخ تقدیم محسوب می شود.	ثبت در پایگاه الکترونیکی، به دبیرخانه دیوان ارسال و یا به دبیرخانه دیوان یا دفاتر اداری آن، مستقر در مراکز استان ها تسلیم گردد. تاریخ ثبت دادخواست در دبیرخانه دیوان و یا پایگاه الکترونیکی و یا تسلیم آن به پست سفارشی و یا ارسال از طریق پست الکترونیکی یا دفاتر اداری دیوان، تاریخ تقدیم محسوب می شود.	ثبت در پایگاه الکترونیکی، به دبیرخانه دیوان ارسال و یا به دبیرخانه دیوان یا دفاتر اداری آن، مستقر در مراکز استانها تسلیم گردد. تاریخ ثبت دادخواست در دبیرخانه دیوان و یا پایگاه الکترونیکی و یا تسلیم آن به پست سفارشی و یا ارسال از طریق پست الکترونیکی یا دفاتر اداری دیوان، تاریخ تقدیم محسوب می شود.
ماده ۲۴ - دبیرخانه دیوان یا دفاتر اداری آن مستقر در مراکز استانها مکلفند دادخواستهای واصل شده را به ترتیب وصول، ثبت نموده و رسیدی مشتمل بر شماره و تاریخ ثبت، نام شاکی و طرف شکایت، به شاکی، وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی وی، تسلیم کنند.	ماده ۷ - دبیرخانه دیوان یا دفاتر اداری آن مستقر در مراکز استانها مکلفند دادخواستهای واصل شده را به ترتیب وصول، ثبت نموده و رسیدی مشتمل بر شماره و تاریخ ثبت، نام شاکی و طرف شکایت، به شاکی، وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی وی، تسلیم کنند.	***	ماده ۲۴ - دبیرخانه دیوان یا دفاتر اداری آن مستقر در مراکز استانها مکلفند دادخواستهای واصل شده را به ترتیب وصول، ثبت نموده و رسیدی مشتمل بر شماره و تاریخ ثبت، نام شاکی و طرف شکایت، به شاکی، وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی وی، تسلیم کنند.
ماده ۲۵ - دبیرخانه دیوان مکلف است قبل از ارسال پرونده جهت ارجاع، با مراجعه به سوابق امر، چنانچه موردی حاکی از طرح قبلی شکایت وجود داشته باشد، مشخصات آن را به برگه دادخواست ضمیمه نماید.	ماده ۸ - دبیرخانه دیوان مکلف است قبل از ارسال پرونده جهت ارجاع، با مراجعه به سوابق امر، چنانچه موردی حاکی از طرح قبلی شکایت وجود داشته باشد، مشخصات آن را به برگه دادخواست ضمیمه نماید.	***	ماده ۲۵ - دبیرخانه دیوان مکلف است قبل از ارسال پرونده جهت ارجاع، با مراجعه به سوابق امر، چنانچه موردی حاکی از طرح قبلی شکایت وجود داشته باشد، مشخصات آن را به برگه دادخواست ضمیمه نماید.
ماده ۲۶ - دادخواستهای ثبت شده، توسط رئیس دیوان یا معاون وی به شعبه ارجاع می شود.	***	***	ماده ۲۶ - دادخواستهای ثبت شده، توسط رئیس دیوان یا معاون وی به شعبه ارجاع می شود.
ماده ۲۷ - چنانچه دادخواست، فاقد نام و نام خانوادگی شاکی یا اقامتگاه وی باشد، به موجب قرار مدیر دفتر شعبه، رد می شود. این قرار قطعی است، ولی صدور آن، مانع طرح مجدد شکایت نیست.	ماده ۹ - چنانچه دادخواست، فاقد نام و نام خانوادگی شاکی یا اقامتگاه وی باشد، به موجب قرار مدیر دفتر شعبه، رد می شود. این قرار قطعی است، ولی صدور آن، مانع طرح مجدد شکایت نیست.	۳ - اطلاق قطعی بودن قرار در ماده (۹) در مواردی که طرح دعوی مقید به زمان است و موجب تضییع حق می گردد، خلاف موازین شرع می باشد.	ماده ۲۷ - چنانچه دادخواست، فاقد نام و نام خانوادگی شاکی یا اقامتگاه وی باشد، به موجب قرار مدیر دفتر شعبه، رد می شود. این قرار قطعی است، ولی صدور آن، مانع طرح مجدد شکایت نیست.
ماده ۲۸ - در صورتی که هر یک از موارد مذکور در بندهای (ب) تا (ه) ماده (۱۸) این قانون در دادخواست رعایت نشده باشد و یا دادخواست از جهت شرایط مقرر در مواد (۱۹) الی (۲۳) این قانون نقص داشته باشد، مدیر دفتر شعبه ظرف دو روز نقایص دادخواست را طی	ماده ۱۰ - در صورتی که هر یک از موارد مذکور در بندهای (ب) تا (ه) ماده (۱) این قانون در دادخواست رعایت نشده باشد و یا دادخواست از جهت شرایط مقرر در مواد ۳، ۵، ۶ و ۱۲ این قانون نقص داشته باشد، مدیر دفتر شعبه ظرف دو روز نقایص دادخواست را طی	***	ماده ۲۸ - در صورتی که هر یک از موارد مذکور در بندهای (ب) تا (ه) ماده (۱۸) این قانون در دادخواست رعایت نشده باشد و یا دادخواست از جهت شرایط مقرر در مواد (۱۹) الی (۲۳) این قانون نقص داشته باشد، مدیر دفتر شعبه ظرف دو روز نقایص دادخواست را طی

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)
<p>اخطاریه‌ای به‌طور مستقیم یا از طریق دفاتر مستقر در مراکز استانها به شاکی اعلام می‌کند. شاکی، ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه، فرصت رفع نقص دارد و چنانچه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر یا جانشین او، رد می‌گردد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در همان شعبه دیوان است. رسیدگی به اعتراض نسبت به رد دادخواست، توسط رئیس یا دادرس علی‌البدل شعبه انجام می‌شود و پس از صدور دستور توسط قاضی مزبور، مراتب توسط مدیر دفتر شعبه به معترض ابلاغ می‌گردد. این تصمیم قطعی است، ولی رد دادخواست، مانع طرح مجدد شکایت نیست.</p>	<p>اخطاریه‌ای به‌طور مستقیم یا از طریق دفاتر مستقر در مراکز استانها به شاکی اعلام می‌کند. شاکی، ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه، فرصت رفع نقص دارد و چنانچه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر یا جانشین او، رد می‌گردد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در همان شعبه دیوان است. رسیدگی به اعتراض نسبت به رد دادخواست، توسط رئیس یا دادرس علی‌البدل شعبه انجام می‌شود و پس از صدور دستور توسط قاضی مزبور، مراتب توسط مدیر دفتر شعبه به معترض ابلاغ می‌گردد. این تصمیم قطعی است، ولی رد دادخواست، مانع طرح مجدد شکایت نیست.</p>	<p>اخطاریه‌ای به‌طور مستقیم یا از طریق دفاتر مستقر در مراکز استانها به شاکی اعلام می‌کند. شاکی، ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه، فرصت رفع نقص دارد و چنانچه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر یا جانشین او، رد می‌گردد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در همان شعبه دیوان است. رسیدگی به اعتراض نسبت به رد دادخواست، توسط رئیس یا دادرس علی‌البدل شعبه انجام می‌شود و پس از صدور دستور توسط قاضی مزبور، مراتب توسط مدیر دفتر شعبه به معترض ابلاغ می‌گردد. این تصمیم قطعی است، ولی رد دادخواست، مانع طرح مجدد شکایت نیست.</p>	<p>اخطاریه‌ای به‌طور مستقیم یا از طریق دفاتر مستقر در مراکز استانها به شاکی اعلام می‌کند. شاکی، ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه، فرصت رفع نقص دارد و چنانچه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر یا جانشین او، رد می‌گردد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در همان شعبه دیوان است. رسیدگی به اعتراض نسبت به رد دادخواست، توسط رئیس یا دادرس علی‌البدل شعبه انجام می‌شود و پس از صدور دستور توسط قاضی مزبور، مراتب توسط مدیر دفتر شعبه به معترض ابلاغ می‌گردد. این تصمیم قطعی است، ولی رد دادخواست، مانع طرح مجدد شکایت نیست.</p>
<p>ماده ۲۹- دادخواستی که دارای شرایط بند(چ) ماده(۱۸) این قانون نباشد، فاقد اعتبار است و توسط مدیر دفتر شعبه بایگانی و مراتب به شخصی که نام وی در ستون شاکی درج گردیده اعلام می‌شود.</p>	<p>۴- منظور مواد (۱۱) و (۶۰) روشن نیست و ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر می‌گردد.</p>	<p>ماده ۱۱- دادخواستی که دارای شرایط بند «ز» ماده(۱) این قانون نباشد، فاقد اعتبار بوده و توسط مدیر دفتر شعبه بایگانی و مراتب به شخصی که نام وی در ستون شاکی درج گردیده اعلام می‌شود.</p>	<p>ماده ۲۹- دادخواستی که دارای شرایط بند «ز» ماده(۱۸) این قانون نباشد، فاقد اعتبار بوده و توسط مدیر دفتر شعبه بایگانی و مراتب به شخصی که نام وی در ستون شاکی درج گردیده اعلام می‌شود.</p>
<p>ماده ۳۰- پس از ارجاع دادخواست به شعبه مدیر دفتر شعبه آن را پس از تکمیل بلافاصله در اختیار قاضی شعبه قرار می‌دهد. قاضی شعبه دیوان در صورت احراز صلاحیت و کامل بودن پرونده، آن را با صدور دستور ارسال یک‌نسخه از دادخواست و ضمایم آن به طرف شکایت، به دفتر اعاده می‌کند تا پس از ابلاغ دادخواست و ضمایم آن به طرف شکایت، در جریان رسیدگی قرار گیرد.</p> <p>تبصره- چنانچه پرونده‌ای مشمول تبصره ماده(۹۱) این قانون باشد، شعبه دیوان خارج از نوبت و بدون ابلاغ دادخواست و ضمایم آن به طرف شکایت، به آن رأی صادر می‌نماید.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۴- دادخواست توسط رئیس دیوان به یکی از شعب ارجاع می‌شود. مدیر دفتر شعبه باید پس از تکمیل پرونده آن را فوراً در اختیار قاضی شعبه قرار دهد. قاضی شعبه دیوان در صورت احراز صلاحیت و کامل بودن پرونده آنرا با صدور دستور ارسال یک نسخه از دادخواست و ضمایم آن به طرف شکایت به دفتر اعاده می‌کند تا پس از ابلاغ دادخواست و ضمایم آن به طرف شکایت در جریان رسیدگی قرار گیرد.</p> <p>تبصره- چنانچه پرونده مشمول تبصره ماده(۴۴) قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۳/۹ باشد، شعبه دیوان خارج از نوبت و بدون ابلاغ دادخواست و ضمایم آن به طرف شکایت، به آن رأی صادر می‌نماید.</p>	<p>ماده ۳۰- پس از ارجاع دادخواست به شعبه مدیر دفتر شعبه آن را پس از تکمیل بلافاصله در اختیار قاضی شعبه قرار می‌دهد. قاضی شعبه دیوان در صورت احراز صلاحیت و کامل بودن پرونده، آن را با صدور دستور ارسال یک نسخه از دادخواست و ضمایم آن به طرف شکایت، به دفتر اعاده می‌کند تا پس از ابلاغ دادخواست و ضمایم آن به طرف شکایت، در جریان رسیدگی قرار گیرد.</p> <p>تبصره- چنانچه پرونده مشمول تبصره ماده(۹۱) این قانون باشد، شعبه دیوان خارج از نوبت و بدون ابلاغ دادخواست و ضمایم آن به طرف شکایت، به آن رأی صادر می‌نماید.</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
<p>ماده ۳۱ - طرف شکایت موظف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند. عدم وصول پاسخ، مانع رسیدگی نبوده و شعبه با توجه به مدارک موجود، به پرونده رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید.</p> <p>تبصره - در صورتیکه طرف شکایت بدون عذر موجه از دادن پاسخ در موعد مقرر در این ماده خودداری نماید شعبه رسیدگی کننده، متخلف را به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت محکوم می‌نماید. این حکم ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر است.</p>	<p>ماده ۱۵ - طرف شکایت موظف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند. عدم وصول پاسخ، مانع رسیدگی نبوده و شعبه با توجه به مدارک موجود، به پرونده رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید.</p> <p>تبصره - در صورتی که طرف شکایت بدون عذر موجه از دادن پاسخ در موعد مقرر در این ماده خودداری نماید شعبه رسیدگی کننده، متخلف را به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت محکوم می‌نماید. این حکم ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر است.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۳۱ - طرف شکایت موظف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند. عدم وصول پاسخ، مانع رسیدگی نیست و شعبه با توجه به مدارک موجود، به پرونده رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید.</p> <p>تبصره - در صورتی که طرف شکایت بدون عذر موجه از دادن پاسخ در موعد مقرر در این ماده خودداری نماید شعبه رسیدگی کننده، متخلف را به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت محکوم می‌نماید. این حکم ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر است.</p>
<p>ماده ۳۲ - اگر ضمن یک دادخواست، شکایات متعدد مطرح شود که با یکدیگر ارتباط نداشته باشند و شعبه دیوان نتواند ضمن یک دادرسی به آنها رسیدگی کند، شکایات مطرح شده را به صورت جداگانه رسیدگی می‌کند و نسبت به آنچه که صلاحیت ندارد، قرار عدم صلاحیت صادر می‌نماید.</p>	<p>ماده ۱۶ - اگر ضمن یک دادخواست، شکایات متعدد مطرح شود که با یکدیگر ارتباط نداشته باشند و شعبه دیوان نتواند ضمن یک دادرسی به آنها رسیدگی کند، شکایات مطرح شده را به صورت جداگانه رسیدگی می‌کند و نسبت به آنچه که صلاحیت ندارد، قرار عدم صلاحیت صادر می‌نماید.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۳۲ - اگر ضمن یک دادخواست، شکایات متعدد مطرح شود که با یکدیگر ارتباط نداشته باشند و شعبه دیوان نتواند ضمن یک دادرسی به آنها رسیدگی کند، شکایات مطرح شده را به صورت جداگانه رسیدگی می‌کند و نسبت به آنچه که صلاحیت ندارد، قرار عدم صلاحیت صادر می‌نماید.</p>
<p>ماده ۳۳ - چنانچه اشخاص متعدد، شکایت‌های خود را به موجب یک دادخواست مطرح نمایند، در صورتی که شکایات مزبور منشأ و مبنای واحد داشته باشد، شعبه دیوان نسبت به همه موارد ضمن یک دادرسی، اتخاذ تصمیم می‌نماید. در غیر این صورت، مطابق مفاد ماده قبل تفکیک و جداگانه رسیدگی می‌شود.</p> <p>تبصره - شاکیان در صورتی که بیش از پنج نفر باشند، می‌توانند در دادخواست، نماینده‌ای را از میان خود جهت امر ابلاغ و اخطار، به شعبه دیوان معرفی نمایند.</p>	<p>ماده ۱۷ - چنانچه اشخاص متعدد، شکایت‌های خود را به موجب یک دادخواست مطرح نمایند، در صورتی که شکایات مزبور منشأ و مبنای واحد داشته باشد، شعبه دیوان نسبت به همه موارد ضمن یک دادرسی، اتخاذ تصمیم می‌نماید. در غیر این صورت، مطابق مفاد ماده قبل موارد به تفکیک و جداگانه رسیدگی می‌شود.</p> <p>تبصره - شاکیان در صورتی که بیش از پنج نفر باشند، می‌توانند در دادخواست، نماینده‌ای را از میان خود جهت امر ابلاغ و اخطار، به شعبه دیوان معرفی نمایند.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۳۳ - چنانچه اشخاص متعدد، شکایت‌های خود را به موجب یک دادخواست مطرح نمایند، در صورتی که شکایات مزبور منشأ و مبنای واحد داشته باشد، شعبه دیوان نسبت به همه موارد ضمن یک دادرسی، اتخاذ تصمیم می‌نماید. در غیر این صورت، مطابق مفاد ماده قبل موارد به تفکیک و جداگانه رسیدگی می‌شود.</p> <p>تبصره - شاکیان در صورتی که بیش از پنج نفر باشند، می‌توانند در دادخواست، نماینده‌ای را از میان خود جهت امر ابلاغ و اخطار، به شعبه دیوان معرفی نمایند.</p>
<p>ماده ۳۴ - موضوع شکایت و خواسته باید صریح و منجز باشد. در صورت وجود ابهام به تشخیص شعبه، مراتب</p>	<p>ماده ۱۸ - موضوع شکایت و خواسته باید صریح و منجز باشد. در صورت وجود ابهام به تشخیص شعبه، مراتب</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۳۴ - موضوع شکایت و خواسته باید صریح و منجز باشد. در صورت وجود ابهام به تشخیص شعبه، مراتب</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
<p>طی اخطاریه‌ای به شاکی اعلام می‌گردد و شاکی مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه، نسبت به رفع ابهام اقدام کند. در غیراین صورت، شعبه نسبت به قسمت مبهم، قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید.</p>	<p>طی اخطاریه‌ای به شاکی اعلام می‌گردد و شاکی مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه، نسبت به رفع ابهام اقدام کند. در غیراین صورت، شعبه نسبت به قسمت مبهم، قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید.</p>	<p>طی اخطاریه‌ای به شاکی اعلام می‌گردد و شاکی مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه، نسبت به رفع ابهام اقدام کند. در غیراین صورت، شعبه نسبت به قسمت مبهم، قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید.</p>	<p>طی اخطاریه‌ای به شاکی اعلام می‌گردد و شاکی مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه، نسبت به رفع ابهام اقدام کند. در غیراین صورت، شعبه نسبت به قسمت مبهم، قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید.</p>
دوم_ دستور موقت	بند دوم_ دستور موقت	***	دوم_ دستور موقت
<p>ماده ۳۵_ در صورتی که شاکی ضمن طرح شکایت خود یا پس از آن مدعی شود که اجرای اقدامات یا تصمیمات یا آرای قطعی یا خودداری از انجام وظیفه توسط اشخاص و مراجع مذکور در ماده (۱۰) این قانون، سبب ورود خسارتی می‌گردد که جبران آن غیرممکن یا متعسر است، می‌تواند تقاضای صدور دستور موقت نماید. پس از طرح شکایت اصلی، درخواست صدور دستور موقت باید تا قبل از ختم رسیدگی، به دیوان ارائه شود. این درخواست مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نیست.</p>	<p>ماده ۲۰_ درخواست صدور دستور موقت باید تا قبل از ختم رسیدگی به دیوان ارائه شود. این درخواست مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نیست</p>	***	<p>ماده ۳۵_ در صورتی که شاکی ضمن طرح شکایت خود یا پس از آن مدعی شود که اجرای اقدامات یا تصمیمات یا آرای قطعی یا خودداری از انجام وظیفه توسط اشخاص و مراجع مذکور در ماده (۱۰) این قانون، سبب ورود خسارتی می‌گردد که جبران آن غیرممکن یا متعسر است، می‌تواند تقاضای صدور دستور موقت نماید. پس از طرح شکایت اصلی، درخواست صدور دستور موقت باید تا قبل از ختم رسیدگی، به دیوان ارائه شود. این درخواست مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نیست.</p>
<p>ماده ۳۶_ شعبه رسیدگی کننده در صورت احراز ضرورت و فوریت موضوع، برحسب مورد، دستور موقت مبنی بر توقف اجرای اقدامات، تصمیمات و آرای مزبور یا انجام وظیفه، صادر می‌نماید. اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس دیوان است.</p> <p>تبصره_ دستور موقت تأثیری در اصل شکایت ندارد و در صورت رد شکایت یا صدور قرار اسقاط یا ابطال یا رد دادخواست اصلی دستور موقت نیز لغو می‌گردد.</p>	<p>ماده ۲۱_ اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس دیوان است.</p>	<p>۵_ با توجه به ماده (۱۶) قانون دیوان عدالت اداری اطلاق اناطه دستور قضائی قاضی به تأیید رئیس دیوان عدالت اداری در ماده (۲۱)، خلاف موازین شرع است.</p>	<p>ماده ۳۶_ شعبه رسیدگی کننده در صورت احراز ضرورت و فوریت موضوع، برحسب مورد، دستور موقت مبنی بر توقف اجرای اقدامات، تصمیمات و آراء مزبور یا انجام وظیفه، صادر می‌نماید. اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس دیوان است.</p> <p>تبصره_ دستور موقت تأثیری در اصل شکایت ندارد و در صورت رد شکایت یا صدور قرار اسقاط یا ابطال یا رد دادخواست اصلی دستور موقت نیز لغو می‌گردد.</p>
***	***	***	ماده ۳۷_ مرجع رسیدگی به تقاضای صدور دستور موقت موضوع ماده (۳۵) این قانون، شعبه‌ای است که به اصل دعوی رسیدگی می‌کند لکن در مواردی که ضمن درخواست ابطال مصوبات از هیأت عمومی دیوان،

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
تقاضای صدور دستور موقت شده باشد، ابتدا پرونده جهت رسیدگی به تقاضای مزبور به یکی از شعب ارجاع می شود و در صورت صدور دستور موقت در شعبه، پرونده در هیأت عمومی خارج از نوبت رسیدگی می شود.			تقاضای صدور دستور موقت شده باشد، ابتدا پرونده جهت رسیدگی به تقاضای مزبور به یکی از شعب ارجاع می شود و در صورت صدور دستور موقت در شعبه، پرونده در هیأت عمومی خارج از نوبت رسیدگی می شود.
ماده ۳۸ - شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت، نسبت به اصل دعوا خارج از نوبت رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید. تبصره - مدیر دفتر شعبه مکلف است پرونده را فوراً به نظر شعبه برساند و شعبه موظف به اتخاذ تصمیم فوری است.	***	***	ماده ۳۸ - شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت، نسبت به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید. تبصره - مدیر دفتر شعبه مکلف است پرونده را به فوریت به نظر شعبه برساند و شعبه موظف به اتخاذ تصمیم فوری است.
ماده ۳۹ - در صورت صدور دستور موقت یا لغو آن، مفاد آن به طرفین و در صورت رد تقاضای صدور دستور موقت، مفاد آن به شاکی ابلاغ می شود. تقاضای صدور دستور موقت قبل از اتخاذ تصمیم شعبه، مانع اجرای تصمیمات قانونی موضوع ماده (۱۰) این قانون نیست.	***	***	ماده ۳۹ - در صورت صدور دستور موقت یا لغو آن، مفاد آن به طرفین و در صورت رد تقاضای صدور دستور موقت، مفاد آن به شاکی ابلاغ می شود. تقاضای صدور دستور موقت قبل از اتخاذ تصمیم شعبه، مانع اجرای تصمیمات قانونی موضوع ماده (۱۰) این قانون نیست.
ماده ۴۰ - سازمانها، ادارات، هیأتها و مأموران طرف شکایت پس از صدور و ابلاغ دستور موقت، مکلفند بر طبق آن اقدام نمایند و در صورت استتکاف، شعبه صادرکننده دستور موقت، متخلف را به انفضال از خدمت به مدت شش ماه تا یک سال و جبران خسارت وارده محکوم می نماید.	***	***	ماده ۴۰ - سازمانها، ادارات، هیأتها و مأموران طرف شکایت پس از صدور و ابلاغ دستور موقت، مکلفند بر طبق آن اقدام نمایند و در صورت استتکاف، شعبه صادرکننده دستور موقت، متخلف را به انفضال از خدمت به مدت شش ماه تا یک سال و جبران خسارت وارده محکوم می نماید.
ماده ۴۱ - در صورت حصول دلایلی مبنی بر عدم ضرورت ادامه اجرای دستور موقت، شعبه رسیدگی کننده نسبت به لغو آن اقدام می نماید.	***	***	ماده ۴۱ - در صورت حصول دلایلی مبنی بر عدم ضرورت ادامه اجرای دستور موقت، شعبه رسیدگی کننده نسبت به لغو آن اقدام می نماید.

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
سوم_ رسیدگی و صدور رأی	بند سوم_ رسیدگی و صدور رأی	***	سوم_ رسیدگی و صدور رأی
ماده ۴۲_ شعبه رسیدگی کننده می تواند هرگونه تحقیق یا اقدامی را که لازم بداند، انجام دهد یا آن را از ضابطان قوه قضائیه و مراجع اداری بخواهد و یا به سایر مراجع قضائی نیابت دهد. ضابطان و مراجع مزبور مکلفند ظرف مهلتی که شعبه دیوان تعیین می کند، تحقیقات و اقدامات خواسته شده را انجام دهند. تخلف از این ماده حسب مورد مستلزم مجازات اداری یا انتظامی است.	***	***	ماده ۴۲_ شعبه رسیدگی کننده می تواند هرگونه تحقیق یا اقدامی را که لازم بداند، انجام دهد یا آن را از ضابطان قوه قضائیه و مراجع اداری بخواهد و یا به سایر مراجع قضائی نیابت دهد. ضابطان و مراجع مزبور مکلفند ظرف مهلتی که شعبه دیوان تعیین می کند، تحقیقات و اقدامات خواسته شده را انجام دهند. تخلف از این ماده حسب مورد مستلزم مجازات اداری یا انتظامی است.
ماده ۴۳_ در صورتی که محتوای شکایت و دادخواست مطروحه در شعبه دیوان، حاوی مطالبی علیه شخص ثالث نیز باشد، این امر مانع رسیدگی شعبه به پرونده نیست.	***	***	ماده ۴۳_ در صورتی که محتوای شکایت و دادخواست مطروحه در شعبه دیوان، حاوی مطالبی علیه شخص ثالث نیز باشد، این امر مانع رسیدگی شعبه به پرونده نیست.
ماده ۴۴_ شعبه دیوان می تواند هریک از طرفین دعوا را برای ادای توضیح دعوت نماید و در صورتی که شکایت از ادارات و واحدهای مذکور در ماده (۱۰) این قانون باشد، طرف شکایت مکلف به معرفی نماینده است. تبصره ۱_ در صورتی که شاکی پس از ابلاغ برای ادای توضیح حاضر نشود یا از ادای توضیحات مورد درخواست استنکاف کند، شعبه دیوان با ملاحظه دادخواست اولیه و لایحه دفاعیه طرف شکایت یا استماع اظهارات او، اتخاذ تصمیم می نماید و اگر اتخاذ تصمیم ماهوی بدون اخذ توضیح از شاکی ممکن نشود، قرار ابطال دادخواست صادر می گردد. تبصره ۲_ در صورتی که طرف شکایت، شخص حقیقی یا نماینده شخص حقوقی باشد و پس از احضار، بدون عذر موجه، از حضور جهت ادای توضیح خودداری کند،	***	***	ماده ۴۴_ شعبه دیوان می تواند هریک از طرفین دعوا را برای ادای توضیح دعوت نماید و در صورتی که شکایت از ادارات و واحدهای مذکور در ماده (۱۰) این قانون باشد، طرف شکایت مکلف به معرفی نماینده است. تبصره ۱_ در صورتی که شاکی پس از ابلاغ برای ادای توضیح حاضر نشود یا از ادای توضیحات مورد درخواست استنکاف کند، شعبه دیوان با ملاحظه دادخواست اولیه و لایحه دفاعیه طرف شکایت یا استماع اظهارات او، اتخاذ تصمیم می نماید و اگر اتخاذ تصمیم ماهوی بدون اخذ توضیح از شاکی ممکن نشود، قرار ابطال دادخواست صادر می گردد. تبصره ۲_ در صورتی که طرف شکایت، شخص حقیقی یا نماینده شخص حقوقی باشد و پس از احضار، بدون عذر موجه، از حضور جهت ادای توضیح خودداری کند،

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)
<p>او را جلب می‌نماید یا به انقصال موقت از خدمات دولتی به مدت یک ماه تا یک‌سال محکوم می‌کند.</p> <p>تبصره ۳_ عدم تعیین نماینده توسط طرف شکایت یا عدم حضور شخص معرفی شده در مهلت اعلام شده از سوی شعبه دیوان، موجب انقصال موقت از خدمات دولتی از دو ماه تا یک‌سال است.</p>			<p>شعبه او را جلب نموده یا به انقصال موقت از خدمات دولتی به مدت یک ماه تا یک‌سال محکوم می‌نماید.</p> <p>تبصره ۳_ عدم تعیین نماینده توسط طرف شکایت یا عدم حضور شخص معرفی شده در مهلت اعلام شده از سوی شعبه دیوان، موجب انقصال موقت از خدمات دولتی از دو ماه تا یک‌سال است.</p>
<p>ماده ۴۵_ در صورت درخواست رئیس دیوان یا هر یک از شعب دیوان، کلیه واحدهای دولتی، شهرداریها و سایر مؤسسات عمومی و مأموران آنها مکلفند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ نسبت به ارسال اسناد و پرونده های مورد مطالبه اقدام نمایند و در صورتی که ارسال اسناد ممکن نباشد، دلایل آن را به دیوان اعلام کنند. در صورت موجه ندانستن دلایل توسط دیوان و مطالبه مجدد و امتناع از ارسال ظرف مدت یک ماه، مستنکف، به حکم شعبه به انقصال موقت از خدمات دولتی از یک ماه تا یک‌سال یا کسر یک سوم حقوق و مزایا به مدت سه ماه تا یک‌سال محکوم می‌شود. این امر حسب مورد مانع اختیار دیوان برای اقدام مقتضی در جهت دستیابی به دلایل و مدارک مورد نیاز یا صدور رأی طبق مدارک و قرائن موجود در پرونده نیست.</p> <p>مطالبه اسناد طبقه‌بندی‌شده مطابق مقررات مربوط صورت می‌گیرد.</p> <p>تبصره_ شعبه دیوان مکلف است علاوه بر موارد مذکور در این ماده مراتب امتناع مسؤول مربوطه از انجام وظایف قانونی را جهت تعقیب کیفری به مرجع قضائی صالح اعلام نماید.</p>	<p>***</p> <p>ماده ۲۲_ در صورت درخواست رئیس دیوان یا هر یک از شعب دیوان، کلیه واحدهای دولتی، شهرداری‌ها و سایر مؤسسات عمومی و مأموران آنها مکلفند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ نسبت به ارسال اسناد و پرونده‌های مورد مطالبه اقدام نمایند و در صورتی که ارسال اسناد ممکن نباشد، دلایل آن را به دیوان اعلام کنند. در صورت موجه ندانستن دلایل توسط دیوان و مطالبه مجدد و امتناع از ارسال ظرف مدت یک ماه، مستنکف، به حکم شعبه به انقصال موقت از خدمات دولتی از یک ماه تا یک سال یا کسر یک سوم حقوق و مزایا به مدت سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود. این امر حسب مورد مانع اختیار دیوان برای اقدام مقتضی در جهت دستیابی به دلایل و مدارک مورد نیاز یا صدور رأی طبق مدارک و قرائن موجود در پرونده نیست.</p> <p>مطالبه اسناد طبقه بندی شده مطابق مقررات مربوط صورت می‌گیرد.</p> <p>تبصره_ شعبه دیوان مکلف است علاوه بر موارد مذکور در این ماده مراتب امتناع مسؤول مربوطه از انجام وظایف قانونی را جهت تعقیب کیفری به مرجع قضائی صالح اعلام نماید.</p>	<p>ماده ۴۵_ در صورت درخواست رئیس دیوان یا هر یک از شعب دیوان، کلیه واحدهای دولتی، شهرداری‌ها و سایر مؤسسات عمومی و مأموران آنها مکلفند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ نسبت به ارسال اسناد و پرونده‌های مورد مطالبه اقدام نمایند و در صورتی که ارسال اسناد ممکن نباشد، دلایل آن را به دیوان اعلام کنند. در صورت موجه ندانستن دلایل توسط دیوان و مطالبه مجدد و امتناع از ارسال ظرف مدت یک ماه، مستنکف، به حکم شعبه به انقصال موقت از خدمات دولتی از یک ماه تا یک‌سال یا کسر یک سوم حقوق و مزایا به مدت سه ماه تا یک‌سال محکوم می‌شود. این امر حسب مورد مانع اختیار دیوان برای اقدام مقتضی در جهت دستیابی به دلایل و مدارک مورد نیاز یا صدور رأی طبق مدارک و قرائن موجود در پرونده نیست.</p> <p>مطالبه اسناد طبقه‌بندی‌شده مطابق مقررات مربوط صورت می‌گیرد.</p> <p>تبصره_ شعبه دیوان مکلف است علاوه بر موارد مذکور در این ماده مراتب امتناع مسؤول مربوطه از انجام وظایف قانونی را جهت تعقیب کیفری به مرجع قضائی صالح اعلام نماید.</p>	<p>ماده ۴۵_ در صورت درخواست رئیس دیوان یا هر یک از شعب دیوان، کلیه واحدهای دولتی، شهرداری‌ها و سایر مؤسسات عمومی و مأموران آنها مکلفند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ نسبت به ارسال اسناد و پرونده‌های مورد مطالبه اقدام نمایند و در صورتی که ارسال اسناد ممکن نباشد، دلایل آن را به دیوان اعلام کنند. در صورت موجه ندانستن دلایل توسط دیوان و مطالبه مجدد و امتناع از ارسال ظرف مدت یک ماه، مستنکف، به حکم شعبه به انقصال موقت از خدمات دولتی از یک ماه تا یک‌سال یا کسر یک سوم حقوق و مزایا به مدت سه ماه تا یک‌سال محکوم می‌شود. این امر حسب مورد مانع اختیار دیوان برای اقدام مقتضی در جهت دستیابی به دلایل و مدارک مورد نیاز یا صدور رأی طبق مدارک و قرائن موجود در پرونده نیست.</p> <p>مطالبه اسناد طبقه‌بندی‌شده مطابق مقررات مربوط صورت می‌گیرد.</p> <p>تبصره_ شعبه دیوان مکلف است علاوه بر موارد مذکور در این ماده مراتب امتناع مسؤول مربوطه از انجام وظایف قانونی را جهت تعقیب کیفری به مرجع قضائی صالح اعلام نماید.</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
<p>ماده ۴۶ - شاکی می‌تواند دادخواست خود را قبل از وصول پاسخ طرف شکایت، مسترد کند و در این صورت، شعبه قرار ابطال دادخواست صادر می‌کند. شاکی می‌تواند دادخواست خود را تجدید نماید. پس از وصول پاسخ، به درخواست استرداد دادخواست ترتیب اثر داده نمی‌شود.</p>	<p>ماده ۲۳ - شاکی می‌تواند دادخواست خود را قبل از وصول پاسخ طرف شکایت، مسترد کند و در این صورت، شعبه قرار ابطال دادخواست صادر می‌کند. شاکی می‌تواند دادخواست خود را تجدید نماید. پس از وصول پاسخ، به درخواست استرداد دادخواست ترتیب اثر داده نمی‌شود.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۴۶ - شاکی می‌تواند دادخواست خود را قبل از وصول پاسخ طرف شکایت، مسترد کند و در این صورت، شعبه قرار ابطال دادخواست صادر می‌کند. شاکی می‌تواند دادخواست خود را تجدید نماید. پس از وصول پاسخ، به درخواست استرداد دادخواست ترتیب اثر داده نمی‌شود.</p>
<p>ماده ۴۷ - شاکی می‌تواند قبل از صدور رأی، از شکایت خود به کلی صرف‌نظر نماید. در این صورت، قرار سقوط شکایت صادر می‌شود و همان شکایت مجدداً قابل طرح نیست.</p>	<p>ماده ۲۴ - شاکی می‌تواند قبل از صدور رأی، از شکایت خود به کلی صرف‌نظر نماید. در این صورت، قرار سقوط شکایت صادر می‌شود و همان شکایت مجدداً قابل طرح نیست.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۴۷ - شاکی می‌تواند قبل از صدور رأی، از شکایت خود به کلی صرف‌نظر نماید. در این صورت، قرار سقوط شکایت صادر می‌شود و همان شکایت مجدداً قابل طرح نیست.</p>
<p>ماده ۴۸ - در صورت ضرورت به تشخیص رئیس دیوان یا رئیس شعبه، رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در شعب دیوان و شعب تجدید نظر آن، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.</p>	<p>ماده ۲۵ - در صورت ضرورت به تشخیص رئیس دیوان یا رئیس شعبه، رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در شعب دیوان و شعب تجدید نظر آن، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۴۸ - در صورت ضرورت به تشخیص رئیس دیوان یا رئیس شعبه، به پرونده‌های مطروحه در شعب دیوان و شعب تجدید نظر آن، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.</p>
<p>ماده ۴۹ - هرگاه رسیدگی به شکایت، در صلاحیت مراجع قضائی باشد، شعبه دیوان با صدور قرار صلاحیت، پرونده را به مرجع مذکور ارسال و مراتب را به شاکی اعلام می‌نماید و چنانچه موضوع را در صلاحیت مراجع غیر قضائی بدانند، ضمن صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌نمایند.</p>	<p>ماده ۲۶ - هرگاه رسیدگی به شکایت، در صلاحیت سایر مراجع قضائی باشد، شعبه دیوان با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مرجع مذکور ارسال و مراتب را به شاکی اعلام می‌نماید و چنانچه موضوع را در صلاحیت مراجع غیر قضائی بدانند، ضمن صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌نمایند.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۴۹ - هرگاه رسیدگی به شکایت، در صلاحیت سایر مراجع قضائی باشد، شعبه دیوان با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مرجع مذکور ارسال و مراتب را به شاکی اعلام می‌نماید و چنانچه موضوع را در صلاحیت مراجع غیر قضائی بدانند، ضمن صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌نمایند.</p>
<p>ماده ۵۰ - شاکی می‌تواند تا قبل از صدور رأی، خواسته خود را اصلاح کند. قبول تقاضای اصلاح خواسته پس از ارسال دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت، مشروط به این است که به تشخیص شعبه، ماهیت خواسته تغییر نکرده باشد و شعبه بتواند بدون نیاز به</p>	<p>ماده ۲۷ - شاکی می‌تواند تا قبل از صدور رأی، خواسته خود را اصلاح کند. قبول تقاضای اصلاح خواسته پس از ارسال دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت، مشروط به این است که به تشخیص شعبه، ماهیت خواسته تغییر نکرده باشد و شعبه بتواند بدون نیاز به</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۵۰ - شاکی می‌تواند تا قبل از صدور رأی، خواسته خود را اصلاح کند. قبول تقاضای اصلاح خواسته پس از ارسال دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت، مشروط بر این است که به تشخیص شعبه، ماهیت خواسته تغییر نکرده باشد و شعبه بتواند بدون نیاز به</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
ارسال مجدد دادخواست، براساس دادخواست اصلاح شده، رأی صادر نماید.	ارسال مجدد دادخواست، براساس دادخواست اصلاح شده، رأی صادر نماید.	ارسال مجدد دادخواست، براساس دادخواست اصلاح شده، رأی صادر نماید.	ارسال مجدد دادخواست، براساس دادخواست اصلاح شده، رأی صادر نماید.
ماده ۵۱ - هرگاه رسیدگی دیوان منوط به اثبات امری باشد که در صلاحیت مرجع دیگری است، قرار اناطه صادر و مراتب به طرفین ابلاغ می شود. ذی نفع باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه دیوان، به مرجع صالح مراجعه و گواهی دفتر مرجع مزبور را مبنی بر طرح موضوع، به دیوان تسلیم نماید. در غیر این صورت دیوان به رسیدگی خود ادامه داده و تصمیم مقتضی می گیرد.	ماده ۲۸ - هرگاه رسیدگی دیوان منوط به اثبات امری باشد که در صلاحیت مرجع دیگری است، قرار اناطه صادر و مراتب به طرفین ابلاغ می شود. ذی نفع باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه دیوان، به مرجع صالح مراجعه و گواهی دفتر مرجع مزبور را مبنی بر طرح موضوع، به دیوان تسلیم نماید. در غیر این صورت دیوان به رسیدگی خود ادامه داده و تصمیم مقتضی می گیرد.	ماده ۵۱ - هرگاه رسیدگی دیوان منوط به اثبات امری باشد که در صلاحیت مرجع دیگری است، قرار اناطه صادر و مراتب به طرفین ابلاغ می شود. ذی نفع باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه دیوان، به مرجع صالح مراجعه و گواهی دفتر مرجع مزبور را مبنی بر طرح موضوع، به دیوان تسلیم نماید. در غیر این صورت دیوان به رسیدگی خود ادامه می دهد و تصمیم مقتضی می گیرد.	ماده ۵۱ - هرگاه رسیدگی دیوان منوط به اثبات امری باشد که در صلاحیت مرجع دیگری است، قرار اناطه صادر و مراتب به طرفین ابلاغ می شود. ذی نفع باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه دیوان، به مرجع صالح مراجعه و گواهی دفتر مرجع مزبور را مبنی بر طرح موضوع، به دیوان تسلیم نماید. در غیر این صورت دیوان به رسیدگی خود ادامه می دهد و تصمیم مقتضی می گیرد.
ماده ۵۲ - شکایات مطروحه در دیوان که به تشخیص رئیس دیوان دارای موضوع واحد یا مرتبط باشد در یک شعبه رسیدگی می شود و در صورت ارجاع به چند شعبه، پروندهها در شعبه ای که سبق ارجاع دارد رسیدگی به عمل می آید.	ماده ۲۹ - شکایات مطروحه در دیوان که به تشخیص رئیس دیوان دارای موضوع واحد یا مرتبط باشد در یک شعبه رسیدگی می شود و در صورت ارجاع به چند شعبه، به همه پروندهها در شعبه ای که سبق ارجاع دارد رسیدگی به عمل می آید.	ماده ۵۲ - شکایات مطروحه در دیوان که به تشخیص رئیس دیوان دارای موضوع واحد یا مرتبط باشد در یک شعبه رسیدگی می شود و در صورت ارجاع به چند شعبه، به همه پروندهها در شعبه ای که سبق ارجاع دارد رسیدگی به عمل می آید.	ماده ۵۲ - شکایات مطروحه در دیوان که به تشخیص رئیس دیوان دارای موضوع واحد یا مرتبط باشد در یک شعبه رسیدگی می شود و در صورت ارجاع به چند شعبه، به همه پروندهها در شعبه ای که سبق ارجاع دارد رسیدگی به عمل می آید.
ماده ۵۳ - در صورتی که شعبه دیوان از فوت یا محجور شدن شاکی یا زوال سمت نماینده قانونی او مطلع شود، تا تعیین و معرفی قائم مقام قانونی متوفی یا محجور، قرار توقف دادرسی صادر و مراتب از طریق دفتر شعبه به نشانی شاکی اعلام می شود.	ماده ۳۰ - در صورتی که شعبه دیوان از فوت یا محجور شدن شاکی یا زوال سمت نماینده قانونی او مطلع شود، تا تعیین و معرفی قائم مقام قانونی متوفی یا محجور، قرار توقف دادرسی صادر و مراتب از طریق دفتر شعبه به نشانی شاکی اعلام می شود.	ماده ۵۳ - در صورتی که شعبه دیوان از فوت یا محجور شدن شاکی یا زوال سمت نماینده قانونی او مطلع شود، تا تعیین و معرفی قائم مقام قانونی متوفی یا محجور، قرار توقف دادرسی صادر و مراتب از طریق دفتر شعبه به نشانی شاکی اعلام می شود.	ماده ۵۳ - در صورتی که شعبه دیوان از فوت یا محجور شدن شاکی یا زوال سمت نماینده قانونی او مطلع شود، تا تعیین و معرفی قائم مقام قانونی متوفی یا محجور، قرار توقف دادرسی صادر و مراتب از طریق دفتر شعبه به نشانی شاکی اعلام می شود.
ماده ۵۴ - در صورت احراز هریک از جهات زیر، شعبه دیوان حتی قبل از ارسال دادخواست و ضمایم به طرف شکایت، قرار رد شکایت صادر می کند: الف - شاکی برای طرح شکایت، اهلیت قانونی نداشته باشد. ب - شاکی در شکایت مطروحه ذی نفع نباشد. ج - شکایت متوجه طرف شکایت نباشد.	ماده ۳۱ - در صورت احراز هریک از جهات زیر، شعبه دیوان حتی قبل از ارسال دادخواست و ضمایم به طرف شکایت، قرار رد شکایت صادر می کند: الف - شاکی برای طرح شکایت، اهلیت قانونی نداشته باشد. ب - شاکی در شکایت مطروحه ذی نفع نباشد. ج - شکایت متوجه طرف شکایت نباشد.	ماده ۵۴ - در صورت احراز هریک از جهات زیر، شعبه دیوان حتی قبل از ارسال دادخواست و ضمایم به طرف شکایت، قرار رد شکایت صادر می کند: الف - شاکی برای طرح شکایت، اهلیت قانونی نداشته باشد. ب - شاکی در شکایت مطروحه ذی نفع نباشد. پ - شکایت متوجه طرف شکایت نباشد.	ماده ۵۴ - در صورت احراز هریک از جهات زیر، شعبه دیوان حتی قبل از ارسال دادخواست و ضمایم به طرف شکایت، قرار رد شکایت صادر می کند: الف - شاکی برای طرح شکایت، اهلیت قانونی نداشته باشد. ب - شاکی در شکایت مطروحه ذی نفع نباشد. پ - شکایت متوجه طرف شکایت نباشد.

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
د_ شکایت خارج از موعد قانونی، مطرح شده باشد. ه_ شکایت طرح شده از حیث موضوع قبلاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا، قائم مقام آنان هستند، رسیدگی و حکم قطعی نسبت به آن صادر شده باشد. و_ موجبات رسیدگی به شکایت، منتفی شده باشد.	د_ شکایت خارج از موعد قانونی، مطرح شده باشد. ه_ شکایت طرح شده از حیث موضوع قبلاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا، قائم مقام آنان هستند، رسیدگی و حکم قطعی نسبت به آن صادر شده باشد. و_ موجبات رسیدگی به شکایت، منتفی شده باشد.		ت_ شکایت خارج از موعد قانونی، مطرح شده باشد. ث_ شکایت طرح شده از حیث موضوع قبلاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوی، قائم مقام آنان هستند، رسیدگی و حکم قطعی نسبت به آن صادر شده باشد. ج_ موجبات رسیدگی به شکایت، منتفی شده باشد.
ماده ۵۵ هرگاه شاکی، جلب شخص حقیقی یا حقوقی دیگری غیر از طرف شکایت را به دادرسی لازم بداند، می‌تواند ضمن دادخواست تقدیمی یا دادخواست جداگانه، حداکثر ظرف سی روز پس از ثبت دادخواست اصلی، تقاضای خود را تسلیم کند. همچنین در صورتی که طرف شکایت، جلب شخص حقیقی یا حقوقی دیگری به دادرسی را ضروری بداند، می‌تواند ضمن پاسخ کتبی، دادخواست خود را تقدیم نماید. در این صورت، شعبه دیوان تصویری از دادخواست، لوایح و مستندات طرفین را برای شخص ثالث ارسال می‌کند.	ماده ۳۲ هرگاه شاکی، جلب شخص حقیقی یا حقوقی دیگری غیر از طرف شکایت را به دادرسی لازم بداند، می‌تواند ضمن دادخواست تقدیمی یا دادخواست جداگانه، حداکثر ظرف سی روز پس از ثبت دادخواست اصلی، تقاضای خود را تسلیم کند. همچنین در صورتی که طرف شکایت، جلب شخص حقیقی یا حقوقی دیگری به دادرسی را ضروری بداند، می‌تواند ضمن پاسخ کتبی، دادخواست خود را تقدیم نماید. در این صورت، شعبه دیوان تصویری از دادخواست، لوایح و مستندات طرفین را برای شخص ثالث ارسال می‌کند.	***	ماده ۵۵ هرگاه شاکی، جلب شخص حقیقی یا حقوقی دیگری غیر از طرف شکایت را به دادرسی لازم بداند، می‌تواند ضمن دادخواست تقدیمی یا دادخواست جداگانه، حداکثر ظرف سی روز پس از ثبت دادخواست اصلی، تقاضای خود را تسلیم کند. همچنین در صورتی که طرف شکایت، جلب شخص حقیقی یا حقوقی دیگری به دادرسی را ضروری بداند، می‌تواند ضمن پاسخ کتبی، دادخواست خود را تقدیم نماید. در این صورت، شعبه دیوان تصویری از دادخواست، لوایح و مستندات طرفین را برای شخص ثالث ارسال می‌کند.
ماده ۵۶ هرگاه شخص ثالثی در موضوع پرونده مطروحه در شعبه دیوان، برای خود حقی قائل باشد یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند با تقدیم دادخواست، وارد دعوا شود. در صورتی که دادخواست مذکور قبل از صدور رأی واصل شود، شعبه پس از ارسال دادخواست، برای طرفین دعوا و وصول پاسخ آنان با ملاحظه پاسخ هر سه طرف، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.	ماده ۳۳ هرگاه شخص ثالثی در موضوع پرونده مطروحه در شعبه دیوان، برای خود حقی قائل باشد یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند با تقدیم دادخواست، وارد دعوا شود. در صورتی که دادخواست مذکور قبل از صدور رأی واصل شود، شعبه پس از ارسال دادخواست، برای طرفین دعوا و وصول پاسخ آنان با ملاحظه پاسخ هر سه طرف، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.	***	ماده ۵۶ هرگاه شخص ثالثی در موضوع پرونده مطروحه در شعبه دیوان، برای خود حقی قائل باشد یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند با تقدیم دادخواست، وارد دعوی شود. در صورتی که دادخواست مذکور قبل از صدور رأی واصل شود، شعبه پس از ارسال دادخواست، برای طرفین دعوی و وصول پاسخ آنان با ملاحظه پاسخ هر سه طرف، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.
ماده ۵۷ هرگاه شاکی و یا طرف شکایت اخذ توضیح از هر شخص حقیقی یا حقوقی را درخواست نماید و شعبه	ماده ۳۴ هرگاه شاکی و یا طرف شکایت اخذ توضیح از هر شخص حقیقی یا حقوقی را درخواست نماید و شعبه	***	ماده ۵۷ هرگاه شاکی و یا طرف شکایت اخذ توضیح از هر شخص حقیقی یا حقوقی را درخواست نماید و شعبه

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
دیوان نیز آن را مؤثر در کشف حقیقت بدانند نسبت به اخذ توضیح اقدام خواهد نمود. شعبه دیوان می تواند رأساً نیز نسبت به اخذ توضیح از سایر اشخاص اقدام نماید.	دیوان نیز آن را مؤثر در کشف حقیقت بدانند نسبت به اخذ توضیح اقدام خواهد نمود. شعبه دیوان می تواند رأساً نیز نسبت به اخذ توضیح از سایر اشخاص اقدام نماید.	دیوان نیز آن را مؤثر در کشف حقیقت بدانند نسبت به اخذ توضیح اقدام می نماید. شعبه دیوان می تواند رأساً نیز نسبت به اخذ توضیح از سایر اشخاص اقدام نماید.	دیوان نیز آن را مؤثر در کشف حقیقت بدانند نسبت به اخذ توضیح اقدام می نماید. شعبه دیوان می تواند رأساً نیز نسبت به اخذ توضیح از سایر اشخاص اقدام نماید.
ماده ۵۸ - آرای شعب دیوان که بدون دخالت فرد ثالث ذی نفع در مرحله دادرسی، صادر شده در صورتی که به حقوق شخص ثالث، خلل وارد نموده باشد، ظرف دو ماه از تاریخ اطلاع از حکم، قابل اعتراض است. این اعتراض در شعبه رسیدگی کننده به پرونده، مطرح می شود و شعبه مزبور با بررسی دلایل ارائه شده، مبادرت به صدور رأی می نماید.	ماده ۳۵ - آراء شعب دیوان که بدون دخالت فرد ثالث ذی نفع در مرحله دادرسی، صادر شده در صورتی که به حقوق شخص ثالث، خلل وارد نموده باشد، ظرف دو ماه از تاریخ اطلاع از حکم، قابل اعتراض است. این اعتراض در شعبه رسیدگی کننده به پرونده، مطرح می شود و شعبه مزبور با بررسی دلایل ارائه شده، مبادرت به صدور رأی می نماید.	ماده ۵۸ - آراء شعب دیوان که بدون دخالت فرد ثالث ذی نفع در مرحله دادرسی، صادر شده در صورتی که به حقوق شخص ثالث، خلل وارد نموده باشد، ظرف دو ماه از تاریخ اطلاع از حکم، قابل اعتراض است. این اعتراض در شعبه رسیدگی کننده به پرونده، مطرح می شود و شعبه مزبور با بررسی دلایل ارائه شده، مبادرت به صدور رأی می نماید.	ماده ۵۸ - آراء شعب دیوان که بدون دخالت فرد ثالث ذی نفع در مرحله دادرسی، صادر شده در صورتی که به حقوق شخص ثالث، خلل وارد نموده باشد، ظرف دو ماه از تاریخ اطلاع از حکم، قابل اعتراض است. این اعتراض در شعبه رسیدگی کننده به پرونده، مطرح می شود و شعبه مزبور با بررسی دلایل ارائه شده، مبادرت به صدور رأی می نماید.
ماده ۵۹ - شعبه دیوان پس از رسیدگی و تکمیل تحقیقات، ختم رسیدگی را اعلام و ظرف یک هفته مبادرت به انشاء رأی می نماید.	ماده ۳۶ - شعبه دیوان پس از رسیدگی و تکمیل تحقیقات، ختم رسیدگی را اعلام و ظرف یک هفته مبادرت به انشاء رأی می نماید.	ماده ۵۹ - شعبه دیوان پس از رسیدگی و تکمیل تحقیقات، ختم رسیدگی را اعلام و ظرف یک هفته مبادرت به انشاء رأی می نماید.	ماده ۵۹ - شعبه دیوان پس از رسیدگی و تکمیل تحقیقات، ختم رسیدگی را اعلام و ظرف یک هفته مبادرت به انشاء رأی می نماید.
ماده ۶۰ - دادنامه باید حاوی نکات زیر باشد: الف - تاریخ، شماره دادنامه، شماره پرونده ب - مرجع رسیدگی و نام و نام خانوادگی رئیس یا دادرس شعبه ج - مشخصات شاکی و وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی او با قید اقامتگاه د - مشخصات طرف شکایت و وکیل یا نماینده قانونی او با قید اقامتگاه ه - موضوع شکایت و خواسته و - گردش کار، متضمن خلاصه شکایت و دفاع طرف شکایت، تحقیقات انجام شده و اشاره به نظریه مشاور، در صورتی که طبق ماده (۷) این قانون، پرونده به مشاور شده باشد و تصریح به اعلام ختم رسیدگی ز - رأی با ذکر جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد	ماده ۳۷ - دادنامه باید حاوی نکات زیر باشد: الف - تاریخ، شماره دادنامه، شماره پرونده ب - مرجع رسیدگی و نام و نام خانوادگی رئیس یا دادرس شعبه ج - مشخصات شاکی و وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی او با قید اقامتگاه د - مشخصات طرف شکایت و وکیل یا نماینده قانونی او با قید اقامتگاه ه - موضوع شکایت و خواسته و - گردش کار، متضمن خلاصه شکایت و دفاع طرف شکایت، تحقیقات انجام شده و اشاره به نظریه مشاور در صورت ارجاع پرونده مطابق ماده (۹) قانون دیوان عدالت اداری و تصریح به اعلام ختم رسیدگی	ماده ۶۰ - دادنامه باید حاوی نکات زیر باشد: الف - تاریخ، شماره دادنامه، شماره پرونده ب - مرجع رسیدگی و نام و نام خانوادگی رئیس یا دادرس شعبه پ - مشخصات شاکی و وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی او با قید اقامتگاه ت - مشخصات طرف شکایت و وکیل یا نماینده قانونی او با قید اقامتگاه ث - موضوع شکایت و خواسته ج - گردش کار، متضمن خلاصه شکایت و دفاع طرف شکایت، تحقیقات انجام شده و اشاره به نظریه مشاور، در صورتی که طبق ماده (۷) این قانون، پرونده به مشاور ارجاع شده باشد و تصریح به اعلام ختم رسیدگی	ماده ۶۰ - دادنامه باید حاوی نکات زیر باشد: الف - تاریخ، شماره دادنامه، شماره پرونده ب - مرجع رسیدگی و نام و نام خانوادگی رئیس یا دادرس شعبه پ - مشخصات شاکی و وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی او با قید اقامتگاه ت - مشخصات طرف شکایت و وکیل یا نماینده قانونی او با قید اقامتگاه ث - موضوع شکایت و خواسته ج - گردش کار، متضمن خلاصه شکایت و دفاع طرف شکایت، تحقیقات انجام شده و اشاره به نظریه مشاور، در صورتی که طبق ماده (۷) این قانون، پرونده به مشاور ارجاع شده باشد و تصریح به اعلام ختم رسیدگی

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
قانونی ح- امضاء رئیس یا دادرس علی‌البدل و مهر شعبه	ز- رأی با ذکر جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی ح- امضاء رئیس یا دادرس علی‌البدل و مهر شعبه		چ- رأی با ذکر جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی ح- امضاء رئیس یا دادرس علی‌البدل و مهر شعبه
ماده ۶۱- شعب دیوان مکلفند در مورد هر شکایت، به‌طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به‌صورت عام و کلی، حکم صادر کنند.	ماده ۳۸- شعب دیوان مکلفند در مورد هر شکایت، به‌طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به‌صورت عام و کلی، حکم صادر کنند.	***	ماده ۶۱- شعب دیوان مکلفند در مورد هر شکایت، به‌طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به‌صورت عام و کلی، حکم صادر کنند.
ماده ۶۲- دادنامه پس از صدور، ثبت می‌شود و رونوشت آن ظرف پنج روز برای ابلاغ به طرفین ارسال می‌گردد.	ماده ۳۹- دادنامه پس از صدور، ثبت می‌شود و رونوشت آن ظرف پنج روز برای ابلاغ به طرفین ارسال می‌گردد.	***	ماده ۶۲- دادنامه پس از صدور، ثبت می‌شود و رونوشت آن ظرف پنج‌روز برای ابلاغ به طرفین ارسال می‌گردد.
ماده ۶۳- ابلاغ آرای دیوان می‌تواند به یکی از طرق زیر صورت گیرد: الف- به طرفین شکایت یا وکیل یا قائم مقام و یا نماینده نماینده قانونی آنان توسط دفتر شعبه ب- از طریق اداره ابلاغ، به موجب مقررات آئین دادرسی مدنی ج- از طریق پست الکترونیک یا نمابر، به ادارات دولتی یا شکات به تقاضای قبلی آنان برای استفاده از این روش ابلاغ د- از طریق دفاتر اداری دیوان موضوع ماده (۶) این قانون ه- به‌وسیله دادگستری محل اقامت	ماده ۴۰- ابلاغ آراء دیوان می‌تواند به یکی از طرق زیر صورت گیرد: الف- به طرفین شکایت یا وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آنان توسط دفتر شعبه ب- از طریق اداره ابلاغ، به موجب مقررات آئین دادرسی مدنی ج- از طریق پست الکترونیک یا نمابر، به ادارات دولتی یا شکات به تقاضای قبلی آنان برای استفاده از این روش ابلاغ د- از طریق دفاتر اداری دیوان موضوع ماده (۶) این قانون ه- به‌وسیله دادگستری محل اقامت	***	ماده ۶۳- ابلاغ آراء دیوان می‌تواند به یکی از طرق زیر صورت گیرد: الف- به طرفین شکایت یا وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آنان توسط دفتر شعبه ب- از طریق اداره ابلاغ، به موجب مقررات آئین دادرسی مدنی پ- از طریق پست الکترونیک یا نمابر، به ادارات دولتی یا شکات به تقاضای قبلی آنان برای استفاده از این روش ابلاغ ت- از طریق دفاتر اداری دیوان موضوع ماده (۶) این قانون ث- به‌وسیله دادگستری محل اقامت
ماده ۶۴- هرگاه شعبه رسیدگی کننده دیوان در مرحله رسیدگی به آراء و تصمیمات مراجع مذکور در بند (۲) ماده (۱۰) این قانون، اشتباه یا نقصی را ملاحظه نماید که به اساس رأی لطمه وارد نکند، آن را اصلاح و رأی را ابرام می‌نماید. و چنانچه رأی واجد ایراد شکلی یا ماهوی	ماده ۴۱- هرگاه شعبه رسیدگی کننده دیوان در مرحله رسیدگی به آراء و تصمیمات مراجع مذکور در بند (۲) ماده (۱۳) قانون دیوان عدالت اداری، اشتباه یا نقصی را ملاحظه نماید که به اساس رأی لطمه وارد نکند، آن را اصلاح و رأی را ابرام می‌نماید. و چنانچه رأی واجد ایراد	***	ماده ۶۴- هرگاه شعبه رسیدگی کننده دیوان در مرحله رسیدگی به آراء و تصمیمات مراجع مذکور در بند (۲) ماده (۱۰) این قانون، اشتباه یا نقصی را ملاحظه نماید که به اساس رأی لطمه وارد نکند، آن را اصلاح و رأی را ابرام می‌نماید. و چنانچه رأی واجد ایراد شکلی یا ماهوی

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)
<p>ماهوی مؤثر باشد، شعبه مکلف است با ذکر همه موارد و تعیین آنها، پرونده را به مرجع مربوط اعاده کند. مرجع مذکور موظف است مطابق دستور شعبه دیوان نسبت به رفع نقص یا ایرادهای اعلامی اقدام و سپس مبادرت به اتخاذ تصمیم یا صدور رأی نماید.</p> <p>در صورتی که از تصمیم متخذه و یا رأی صادره مجدداً شکایت شود، پرونده به همان شعبه رسیدگی کننده ارجاع می‌شود. شعبه مذکور چنانچه تصمیم و یا رأی را مغایر قانون و مقررات تشخیص دهد، مستند به قانون و مقررات مربوط، آن را نقض و پس از اخذ نظر مشاورین موضوع ماده (۷) این قانون، مبادرت به صدور رأی ماهوی می‌نماید.</p> <p>تبصره- شعبه می‌تواند علاوه بر نظر مشاورین موضوع ماده (۷)، عنداللزوم از نظر کارشناسان و متخصصین هر رشته، از میان کارشناسان رسمی دادگستری و یا دستگاههای مربوط استفاده نماید.</p>	<p>شکلی یا ماهوی مؤثر باشد، شعبه مکلف است با ذکر همه موارد و تعیین آنها، پرونده را به مرجع مربوط اعاده کند. مرجع مذکور موظف است مطابق دستور شعبه دیوان نسبت به رفع نقص یا ایرادهای اعلامی اقدام و سپس مبادرت به اتخاذ تصمیم یا صدور رأی نماید.</p> <p>در صورتی که از تصمیم متخذه و یا رأی صادره مجدداً شکایت شود، پرونده به همان شعبه رسیدگی کننده ارجاع خواهد شد. شعبه مذکور چنانچه تصمیم و یا رأی را مغایر قانون و مقررات تشخیص دهد، مستند به قانون و مقررات مربوط، آن را نقض و پس از اخذ نظر مشاورین موضوع ماده (۹) قانون دیوان عدالت اداری، مبادرت به صدور رأی ماهوی می‌نماید.</p> <p>تبصره- شعبه می‌تواند علاوه بر نظر مشاورین یادشده، عنداللزوم از نظر کارشناسان و متخصصین هر رشته، از میان کارشناسان رسمی دادگستری و یا دستگاههای مربوط استفاده نماید.</p>	<p>مؤثر باشد، شعبه مکلف است با ذکر همه موارد و تعیین آنها، پرونده را به مرجع مربوط اعاده کند. مرجع مذکور موظف است مطابق دستور شعبه دیوان نسبت به رفع نقص یا ایرادهای اعلامی اقدام و سپس مبادرت به اتخاذ تصمیم یا صدور رأی نماید.</p> <p>در صورتی که از تصمیم متخذه و یا رأی صادره مجدداً شکایت شود، پرونده به همان شعبه رسیدگی کننده ارجاع خواهد شد. شعبه مذکور چنانچه تصمیم و یا رأی را مغایر قانون و مقررات تشخیص دهد، مستند به قانون و مقررات مربوط، آن را نقض و پس از اخذ نظر مشاورین موضوع ماده (۷) این قانون، مبادرت به صدور رأی ماهوی می‌نماید.</p> <p>تبصره- شعبه می‌تواند علاوه بر نظر مشاورین موضوع ماده (۷)، عنداللزوم از نظر کارشناسان و متخصصین هر رشته، از میان کارشناسان رسمی دادگستری و یا دستگاههای مربوط استفاده نماید.</p>	<p>مؤثر باشد، شعبه مکلف است با ذکر همه موارد و تعیین آنها، پرونده را به مرجع مربوط اعاده کند. مرجع مذکور موظف است مطابق دستور شعبه دیوان نسبت به رفع نقص یا ایرادهای اعلامی اقدام و سپس مبادرت به اتخاذ تصمیم یا صدور رأی نماید.</p> <p>در صورتی که از تصمیم متخذه و یا رأی صادره مجدداً شکایت شود، پرونده به همان شعبه رسیدگی کننده ارجاع خواهد شد. شعبه مذکور چنانچه تصمیم و یا رأی را مغایر قانون و مقررات تشخیص دهد، مستند به قانون و مقررات مربوط، آن را نقض و پس از اخذ نظر مشاورین موضوع ماده (۷) این قانون، مبادرت به صدور رأی ماهوی می‌نماید.</p> <p>تبصره- شعبه می‌تواند علاوه بر نظر مشاورین موضوع ماده (۷)، عنداللزوم از نظر کارشناسان و متخصصین هر رشته، از میان کارشناسان رسمی دادگستری و یا دستگاههای مربوط استفاده نماید.</p>
<p>ماده ۶۵- در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه‌ای لازم الاجراء، تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیتهای علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده کمیسیون یا هیأت‌هایی واگذار شده باشد، شعب دیوان فقط از جهت رعایت ضوابط قانونی و تطبیق موضوع و فرآیند بررسی آن بر اساس قانون یا مصوبه رسیدگی می‌کنند و در صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، شعبه رسیدگی کننده موظف است حسب مورد پس از ارجاع پرونده به هیأت کارشناسی تخصصی ذی‌ربط که توسط شعبه تعیین می‌گردد با کسب نظر آنان، مبادرت به انشاء</p>	<p>ماده ۴۲- در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه‌ای لازم الاجراء، تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیتهای علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده کمیسیون یا هیأت‌هایی واگذار شده باشد، شعب دیوان فقط از جهت رعایت ضوابط قانونی و تطبیق موضوع و فرآیند بررسی آن بر اساس قانون یا مصوبه رسیدگی خواهند کرد و در صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، شعبه رسیدگی کننده موظف است حسب مورد پس از ارجاع پرونده به هیأت کارشناسی تخصصی ذی‌ربط که توسط شعبه تعیین می‌گردد با کسب نظر آنان، مبادرت به انشاء</p>	<p>ماده ۶۵- در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه‌ای لازم الاجراء، تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیتهای علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده کمیسیون یا هیأت‌هایی واگذار شده باشد، شعب دیوان فقط از جهت رعایت ضوابط قانونی و تطبیق موضوع و فرآیند بررسی آن بر اساس قانون یا مصوبه رسیدگی خواهند کرد و در صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، شعبه رسیدگی کننده موظف است حسب مورد پس از ارجاع پرونده به هیأت کارشناسی تخصصی ذی‌ربط که توسط شعبه تعیین می‌گردد با کسب نظر آنان، مبادرت به انشاء</p>	<p>ماده ۶۵- در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه‌ای لازم الاجراء، تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیتهای علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده کمیسیون یا هیأت‌هایی واگذار شده باشد، شعب دیوان فقط از جهت رعایت ضوابط قانونی و تطبیق موضوع و فرآیند بررسی آن بر اساس قانون یا مصوبه رسیدگی خواهند کرد و در صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، شعبه رسیدگی کننده موظف است حسب مورد پس از ارجاع پرونده به هیأت کارشناسی تخصصی ذی‌ربط که توسط شعبه تعیین می‌گردد با کسب نظر آنان، مبادرت به انشاء</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
رأی نماید.	رأی نماید.		کسب نظر آنان، مبادرت به انشاء رأی نماید.
مبحث دوم_ رسیدگی در شعب تجدیدنظر	مبحث دوم_ تجدیدنظرخواهی	۶_ در خصوص مبحث دوم - تجدیدنظرخواهی (مواد (۴۳) تا (۵۹)) همان ایراد سابق این شورا موضوع نامه شماره ۸۹/۳۰/۴۱۲۳۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸ کماکان به قوت خود باقی است، همچنین در این مصوبه، هر جا که مرجع تجدیدنظر ذکر گردیده و یا انجام وظایف و اقداماتی به این مرجع محول شده است، مبنیاً بر ایراد فوق، اشکال دارد.	مبحث دوم_ رسیدگی در شعب تجدیدنظر
ماده ۶۶_ کلیه آرای شعب بدوی دیوان به درخواست یکی از طرفین یا وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آنها، قابل تجدیدنظر خواهی در شعب تجدیدنظر است. مهلت تجدیدنظرخواهی برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از ایران دو ماه از تاریخ ابلاغ خواهد بود.	ماده ۴۴_ کلیه آراء شعب بدوی دیوان به درخواست یکی از طرفین یا وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آنها، قابل تجدیدنظر خواهی در شعب تجدیدنظر است. مهلت تجدیدنظرخواهی برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از ایران دو ماه از تاریخ ابلاغ خواهد بود.	***	ماده ۶۶_ کلیه آراء شعب بدوی دیوان به درخواست یکی از طرفین یا وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آنها، قابل تجدیدنظر خواهی در شعب تجدیدنظر است. مهلت تجدیدنظرخواهی برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از ایران دو ماه از تاریخ ابلاغ است.
ماده ۶۷_ تجدیدنظرخواهی با تقدیم دادخواست به دفتر شعبه صادرکننده رأی یا دبیرخانه یا دفاتر اداری دیوان انجام می گیرد. دادخواست تجدیدنظر توسط رئیس دیوان به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می شود.	ماده ۴۵_ تجدیدنظرخواهی با تقدیم دادخواست به دفتر شعبه صادرکننده رأی یا دبیرخانه یا دفاتر اداری دیوان انجام می گیرد. دادخواست تجدیدنظر توسط رئیس دیوان به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می شود.	***	ماده ۶۷_ تجدیدنظرخواهی با تقدیم دادخواست به دفتر شعبه صادرکننده رأی یا دبیرخانه یا دفاتر اداری دیوان انجام می گیرد. دادخواست تجدیدنظر توسط رئیس دیوان به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می شود.
ماده ۶۸_ دادخواست تجدیدنظر باید روی برگه های مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد: الف_ مشخصات و اقامتگاه تجدیدنظرخواه ب_ شماره و تاریخ رأی تجدیدنظر خواسته ج_ شعبه صادرکننده رأی تجدیدنظر خواسته د_ تاریخ ابلاغ رأی تجدیدنظر خواسته	ماده ۴۶_ دادخواست تجدیدنظر باید روی برگه های مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد: الف_ مشخصات و اقامتگاه تجدیدنظرخواه ب_ شماره و تاریخ رأی تجدیدنظر خواسته ج_ شعبه صادرکننده رأی تجدیدنظر خواسته د_ تاریخ ابلاغ رأی تجدیدنظر خواسته	***	ماده ۶۸_ دادخواست تجدیدنظر باید روی برگه های مخصوص نوشته شود و حاوی نکات زیر باشد: الف_ مشخصات و اقامتگاه تجدیدنظرخواه ب_ شماره و تاریخ رأی تجدیدنظر خواسته پ_ شعبه صادرکننده رأی تجدیدنظر خواسته ت_ تاریخ ابلاغ رأی تجدیدنظر خواسته

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
<p>هـ_ دلایل و جهات تجدیدنظر خواهی</p> <p>تبصره_ رعایت مقررات مواد (۲۰) تا (۲۳) این قانون در تقدیم دادخواست تجدیدنظر، ضروری است.</p>	<p>هـ_ دلایل و جهات تجدیدنظر خواهی</p> <p>تبصره_ رعایت مقررات مواد ۲، ۳، ۵ و ۶ این قانون در تقدیم دادخواست تجدیدنظر ضروری است.</p>	<p>هـ_ دلایل و جهات تجدیدنظر خواهی</p> <p>تبصره_ رعایت مقررات مواد (۲۰) تا (۲۳) این قانون در تقدیم دادخواست تجدیدنظر، ضروری است.</p>	<p>هـ_ دلایل و جهات تجدیدنظر خواهی</p> <p>تبصره_ رعایت مقررات مواد (۲۰) تا (۲۳) این قانون در تقدیم دادخواست تجدیدنظر، ضروری است.</p>
<p>ماده ۶۹_ چنانچه دادخواست تجدیدنظر، فاقد مشخصات تجدیدنظر خواه یا اقامتگاه او باشد، پس از انقضاء مهلت تجدیدنظر خواهی، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر شعبه تجدیدنظر، رد می‌شود. این قرار قطعی است. در سایر موارد نقص دادخواست تجدیدنظر، حسب مورد، وفق مواد (۲۸) و (۲۹) این قانون اقدام می‌گردد. اگر دادخواست تجدیدنظر، خارج از مهلت مقرر تسلیم شده باشد، شعبه تجدیدنظر قرار رد دادخواست را صادر می‌کند.</p>	<p>ماده ۴۷_ چنانچه دادخواست تجدیدنظر فاقد مشخصات تجدیدنظر خواه یا اقامتگاه او باشد، پس از انقضاء مهلت تجدیدنظر خواهی، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر شعبه تجدیدنظر رد می‌شود، این قرار قطعی است. در سایر موارد نقص دادخواست تجدیدنظر، وفق تبصره(۳) ماده(۲۱) قانون دیوان عدالت اداری اقدام می‌گردد. اگر دادخواست تجدیدنظر، خارج از مهلت مقرر تسلیم شده باشد، شعبه تجدیدنظر قرار رد دادخواست را صادر می‌کند</p>	<p>ماده ۶۹_ چنانچه دادخواست تجدیدنظر، فاقد مشخصات تجدیدنظر خواه یا اقامتگاه او باشد، پس از انقضاء مهلت تجدیدنظر خواهی، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر شعبه تجدیدنظر، رد می‌شود. این قرار قطعی است. در سایر موارد نقص دادخواست تجدیدنظر، حسب مورد، وفق مواد (۲۸) و (۲۹) این قانون اقدام می‌گردد. اگر دادخواست تجدیدنظر، خارج از مهلت مقرر تسلیم شده باشد، شعبه تجدیدنظر قرار رد دادخواست را صادر می‌کند.</p>	<p>ماده ۶۹_ چنانچه دادخواست تجدیدنظر، فاقد مشخصات تجدیدنظر خواه یا اقامتگاه او باشد، پس از انقضاء مهلت تجدیدنظر خواهی، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر شعبه تجدیدنظر، رد می‌شود. این قرار قطعی است. در سایر موارد نقص دادخواست تجدیدنظر، حسب مورد، وفق مواد (۲۸) و (۲۹) این قانون اقدام می‌گردد. اگر دادخواست تجدیدنظر، خارج از مهلت مقرر تسلیم شده باشد، شعبه تجدیدنظر قرار رد دادخواست را صادر می‌کند.</p>
<p>ماده ۷۰_ عدم رعایت شرایط قانونی دادخواست و یا عدم رفع نقص آن در موعد مقرر قانونی در مرحله بدوی، موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر نیست. در این موارد شعبه تجدیدنظر به دادخواست دهنده بدوی اخطار می‌کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نماید. در صورت عدم اقدام و همچنین در صورتی که سمت دادخواست دهنده محرز نباشد رأی صادر شده نقض و قرار رد دعوا صادر می‌شود.</p>	<p>ماده ۴۸_ عدم رعایت شرایط قانونی دادخواست و یا عدم رفع نقص آن در موعد مقرر قانونی در مرحله بدوی، موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر نیست. در این موارد شعبه تجدیدنظر به دادخواست دهنده بدوی اخطار می‌کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نماید. در صورت عدم اقدام و همچنین در صورتی که سمت دادخواست دهنده محرز نباشد رأی صادر شده نقض و قرار رد دعوا صادر می‌شود.</p>	<p>ماده ۷۰_ عدم رعایت شرایط قانونی دادخواست و یا عدم رفع نقص آن در موعد مقرر قانونی در مرحله بدوی، موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر نیست. در این موارد شعبه تجدیدنظر به دادخواست دهنده بدوی اخطار می‌کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نماید. در صورت عدم اقدام و همچنین در صورتی که سمت دادخواست دهنده محرز نباشد رأی صادر شده نقض و قرار رد دعوا صادر می‌شود.</p>	<p>ماده ۷۰_ عدم رعایت شرایط قانونی دادخواست و یا عدم رفع نقص آن در موعد مقرر قانونی در مرحله بدوی، موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر نیست. در این موارد شعبه تجدیدنظر به دادخواست دهنده بدوی اخطار می‌کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نماید. در صورت عدم اقدام و همچنین در صورتی که سمت دادخواست دهنده محرز نباشد رأی صادر شده نقض و قرار رد دعوا صادر می‌شود.</p>
<p>ماده ۷۱_ چنانچه شعبه تجدیدنظر در رأی بدوی غیر از اشتباهاتی از قبیل اعداد، ارقام، سهو قلم، مشخصات طرفین و یا از قلم افتادگی در آن قسمت از خواسته که به اثبات رسیده اشکال دیگری ملاحظه نکند ضمن اصلاح رأی، آن را تأیید خواهد کرد.</p>	<p>ماده ۴۹_ چنانچه شعبه تجدیدنظر در رأی بدوی غیر از اشتباهاتی از قبیل اعداد، ارقام، سهو قلم، مشخصات طرفین و یا از قلم افتادگی در آن قسمت از خواسته که به اثبات رسیده اشکال دیگری ملاحظه نکند ضمن اصلاح رأی، آن را تأیید خواهد کرد.</p>	<p>ماده ۷۱_ چنانچه شعبه تجدیدنظر در رأی بدوی غیر از اشتباهاتی از قبیل اعداد، ارقام، سهو قلم، مشخصات طرفین و یا از قلم افتادگی در آن قسمت از خواسته که به اثبات رسیده اشکال دیگری ملاحظه نکند ضمن اصلاح رأی، آن را تأیید خواهد کرد.</p>	<p>ماده ۷۱_ چنانچه شعبه تجدیدنظر در رأی بدوی غیر از اشتباهاتی از قبیل اعداد، ارقام، سهو قلم، مشخصات طرفین و یا از قلم افتادگی در آن قسمت از خواسته که به اثبات رسیده اشکال دیگری ملاحظه نکند ضمن اصلاح رأی، آن را تأیید خواهد کرد.</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
<p>ماده ۷۲ - چنانچه شعبه تجدیدنظر ایراد تجدیدنظرخواه را وارد تشخیص ندهد، رأی شعبه بدوی را تأیید و در غیر این صورت آن را نقض و پس از رسیدگی ماهوی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.</p>	<p>ماده ۵۰ - چنانچه شعبه تجدیدنظر ایراد تجدیدنظرخواه را وارد تشخیص ندهد، رأی شعبه بدوی را تأیید و در غیر این صورت آن را نقض و پس از رسیدگی ماهوی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۷۲ - چنانچه شعبه تجدیدنظر ایراد تجدیدنظرخواه را وارد تشخیص ندهد، رأی شعبه بدوی را تأیید و در غیر این صورت آن را نقض و پس از رسیدگی ماهوی، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.</p>
<p>ماده ۷۳ - شعبه تجدیدنظر در صورتی که قرار مورد تجدیدنظر خواهی را مطابق با موازین قانونی تشخیص دهد، آن را تأیید می‌کند. در غیر این صورت پس از نقض قرار، پرونده را برای رسیدگی ماهوی به شعبه صادرکننده قرار عودت می‌نماید.</p>	<p>ماده ۵۱ - شعبه تجدیدنظر در صورتی که قرار مورد تجدیدنظر خواهی را مطابق با موازین قانونی تشخیص دهد، آن را تأیید می‌کند. در غیر این صورت پس از نقض قرار، پرونده را برای رسیدگی ماهوی به شعبه صادرکننده قرار عودت می‌نماید.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۷۳ - شعبه تجدیدنظر در صورتی که قرار مورد تجدیدنظر خواهی را مطابق با موازین قانونی تشخیص دهد، آن را تأیید می‌کند. در غیر این صورت پس از نقض قرار، پرونده را برای رسیدگی ماهوی به شعبه صادرکننده قرار عودت می‌نماید.</p>
<p>ماده ۷۴ - هرگاه در مرحله تجدیدنظر تقاضای صدور دستور موقت شود، اتخاذ تصمیم با شعبه تجدیدنظر خواهد بود. اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس دیوان است. دستور موقت صادر شده از شعبه بدوی مادام که توسط مرجع تجدیدنظر لغو نگردد، به قوت خود باقی است.</p>	<p>ماده ۵۲ - هرگاه در مرحله تجدیدنظر تقاضای صدور دستور موقت شود، اتخاذ تصمیم با شعبه تجدیدنظر خواهد بود. اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس دیوان است. دستور موقت صادر شده از شعبه بدوی مادام که توسط مرجع تجدیدنظر لغو نگردد، به قوت خود باقی است.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۷۴ - هرگاه در مرحله تجدیدنظر تقاضای صدور دستور موقت شود، اتخاذ تصمیم با شعبه تجدیدنظر خواهد بود. اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس دیوان است. دستور موقت صادر شده از شعبه بدوی مادام که توسط مرجع تجدیدنظر لغو نگردد، به قوت خود باقی است.</p>
<p>ماده ۷۵ - چنانچه قاضی شعبه بدوی صادر کننده رأی پی به اشتباه خود ببرد و پرونده در هر حال به شعبه تجدیدنظر نرفته باشد، با ذکر دلیل پرونده را از طریق رئیس دیوان به شعبه تجدید نظر ارسال می‌کند. شعبه یاد شده با توجه به دلیل ابرازی و در صورت وارد دانستن اشتباه، رأی صادر شده را نقض می‌نماید و هرگاه رأی صادره به صورت قرار باشد پرونده را جهت ادامه رسیدگی به شعبه بدوی اعاده و در غیر این صورت اقدام به رسیدگی ماهوی خواهد کرد.</p>	<p>ماده ۵۳ - چنانچه قاضی شعبه بدوی صادر کننده رأی پی به اشتباه خود ببرد و پرونده در هر حال به شعبه تجدیدنظر نرفته باشد، با ذکر دلیل پرونده را از طریق رئیس دیوان به شعبه تجدید نظر ارسال می‌کند. شعبه یاد شده با توجه به دلیل ابرازی و در صورت وارد دانستن اشتباه، رأی صادر شده را نقض می‌نماید و هرگاه رأی صادره به صورت قرار باشد پرونده را جهت ادامه رسیدگی به شعبه بدوی اعاده و در غیر این صورت اقدام به رسیدگی ماهوی خواهد کرد.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۷۵ - چنانچه قاضی شعبه بدوی صادر کننده رأی پی به اشتباه خود ببرد و پرونده در هر حال به شعبه تجدیدنظر نرفته باشد، با ذکر دلیل پرونده را از طریق رئیس دیوان به شعبه تجدید نظر ارسال می‌کند. شعبه یاد شده با توجه به دلیل ابرازی و در صورت وارد دانستن اشتباه، رأی صادر شده را نقض می‌نماید و هرگاه رأی صادره به صورت قرار باشد پرونده را جهت ادامه رسیدگی به شعبه بدوی اعاده و در غیر این صورت اقدام به رسیدگی ماهوی خواهد کرد.</p>
<p>ماده ۷۶ - در صورتی که حداقل یک قاضی از دو قاضی و یا دو قاضی از سه قاضی صادرکننده رأی در شعبه</p>	<p>ماده ۵۴ - در صورتی که حداقل یک قاضی از دو قاضی و یا دو قاضی از سه قاضی صادرکننده رأی در شعبه</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۷۶ - در صورتی که حداقل یک قاضی از دو قاضی و یا دو قاضی از سه قاضی صادرکننده رأی در شعبه</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
تجدیدنظر، پی به اشتباه شکلی یا ماهوی خود ببرند، مراتب را با ذکر دلیل به رئیس دیوان اعلام می‌دارند. رئیس دیوان پرونده را جهت رسیدگی و صدور رأی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌دهد.	تجدیدنظر، پی به اشتباه شکلی یا ماهوی خود ببرند، مراتب را با ذکر دلیل به رئیس دیوان اعلام می‌دارند. رئیس دیوان پرونده را جهت رسیدگی و صدور رأی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌دهد.	تجدیدنظر، پی به اشتباه شکلی یا ماهوی خود ببرند، مراتب را با ذکر دلیل به رئیس دیوان اعلام می‌دارند. رئیس دیوان پرونده را جهت رسیدگی و صدور رأی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌دهد.	تجدیدنظر، پی به اشتباه شکلی یا ماهوی خود ببرند، مراتب را با ذکر دلیل به رئیس دیوان اعلام می‌دارند. رئیس دیوان پرونده را جهت رسیدگی و صدور رأی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌دهد.
ماده ۷۷ - صدور حکم اصلاحی در مورد سهو قلم یا اشتباه محاسبه و یا رفع ابهام که توسط شعبه صادرکننده رأی انجام می‌شود، مشمول مواد (۷۵) و (۷۶) این قانون نیست.	ماده ۵۵ - صدور حکم اصلاحی در مورد سهو قلم یا اشتباه محاسبه و یا رفع ابهام که توسط شعبه صادرکننده رأی انجام می‌شود، مشمول مواد (۵۳) و (۵۴) این قانون نیست.	***	ماده ۷۷ - صدور حکم اصلاحی در مورد سهو قلم یا اشتباه محاسبه و یا رفع ابهام که توسط شعبه صادرکننده رأی انجام می‌شود، مشمول مواد (۷۵) و (۷۶) این قانون نیست.
ماده ۷۸ - در صورتی که رأی بر مبنای اتفاق نظر نباشد، نظر اقلیت نیز در پیش‌نویس رأی درج و به امضای آنان می‌رسد و در پرونده بایگانی می‌شود.	ماده ۵۶ - در صورتی که رأی بر مبنای اتفاق نظر نباشد، نظر اقلیت نیز در پیش‌نویس رأی درج و به امضاء آنان می‌رسد و در پرونده بایگانی می‌شود.	***	ماده ۷۸ - در صورتی که رأی بر مبنای اتفاق نظر نباشد، نظر اقلیت نیز در پیش‌نویس رأی درج می‌شود و به امضاء آنان می‌رسد و در پرونده بایگانی می‌گردد.
ماده ۷۹ - مقرراتی که در مرحله بدوی رعایت می‌شود در مرحله تجدیدنظر نیز جاری است مگر این که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.	ماده ۵۷ - مقرراتی که در مرحله بدوی رعایت می‌شود در مرحله تجدیدنظر نیز جاری است مگر این که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.	***	ماده ۷۹ - مقرراتی که در مرحله بدوی رعایت می‌شود در مرحله تجدیدنظر نیز جاری است مگر این که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.
ماده ۸۰ - در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان رأی قطعی شعب دیوان را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهند، رئیس دیوان فقط برای یکبار با ذکر دلیل پرونده را برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌نماید. رأی صادر شده قطعی است. تبصره - چنانچه رأی قطعی موضوع این ماده از شعبه بدوی صادر شده باشد، در این صورت پرونده برای صدور رأی به شعبه تجدیدنظر ارجاع می‌گردد.	ماده ۵۸ - در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان رأی قطعی شعب دیوان را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهند، رئیس دیوان فقط برای یکبار با ذکر دلیل پرونده را برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌نماید. رأی صادر شده قطعی است. تبصره - چنانچه رأی قطعی موضوع این ماده از شعبه بدوی صادر شده باشد، در این صورت پرونده برای صدور رأی به شعبه تجدیدنظر ارجاع می‌گردد.	***	ماده ۸۰ - در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان رأی قطعی شعب دیوان را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهند، رئیس دیوان فقط برای یکبار با ذکر دلیل پرونده را برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌نماید. رأی صادر شده قطعی است. تبصره - چنانچه رأی قطعی موضوع این ماده از شعبه بدوی صادر شده باشد، در این صورت پرونده برای صدور رأی به شعبه تجدیدنظر ارجاع می‌گردد.
مبحث سوم - رسیدگی در هیأت عمومی	مبحث سوم - هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی	***	مبحث سوم - رسیدگی در هیأت عمومی
ماده ۸۱ - تقاضای ابطال مصوبات در هیأت عمومی دیوان، با تقدیم درخواست انجام می‌گیرد. در درخواست مذکور،	ماده ۵۹ - تقاضای ابطال مصوبات در هیأت عمومی دیوان، با تقدیم درخواست انجام می‌گیرد. در درخواست مذکور،	***	ماده ۸۱ - تقاضای ابطال مصوبات در هیأت عمومی دیوان، با تقدیم درخواست انجام می‌گیرد. در درخواست مذکور،

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)
<p>تصریح به موارد زیر ضروری است:</p> <p>الف_ مشخصات و اقامتگاه درخواست کننده</p> <p>ب_ مشخصات مصوبه مورد اعتراض</p> <p>پ_ حکم شرعی یا مواد قانونی که ادعای مغایرت مصوبه با آن شده</p> <p>ت_ دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب کننده</p> <p>ث_ امضاء یا اثر انگشت درخواست کننده</p> <p>تبصره_ سایر مقررات مربوط به تنظیم، ارسال و ثبت دادخواست، به استثناء ذی نفع بودن درخواست کننده و پرداخت هزینه دادرسی، در درخواست ابطال مصوبه نیز جاری است. درخواستها توسط رئیس دیوان، به دفتر هیأت عمومی ارجاع می شود.</p>	<p>تصریح به موارد زیر ضروری است:</p> <p>الف_ مشخصات و اقامتگاه درخواست کننده</p> <p>ب_ مشخصات مصوبه مورد اعتراض</p> <p>ج_ حکم شرعی یا مواد قانونی که ادعای مغایرت مصوبه با آن شده</p> <p>د_ دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب کننده</p> <p>ه_ امضاء یا اثر انگشت درخواست کننده</p> <p>تبصره_ سایر مقررات مربوط به تنظیم، ارسال و ثبت دادخواست، به استثناء ذی نفع بودن درخواست کننده و پرداخت هزینه دادرسی، در درخواست ابطال مصوبه نیز جاری است. درخواستها توسط رئیس دیوان، به دفتر هیأت عمومی ارجاع می شود.</p>	<p>تصریح به موارد زیر ضروری است:</p> <p>الف_ مشخصات و اقامتگاه درخواست کننده</p> <p>ب_ مشخصات مصوبه مورد اعتراض</p> <p>ج_ حکم شرعی یا مواد قانونی که ادعای مغایرت مصوبه با آن شده</p> <p>د_ دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب کننده</p> <p>ه_ امضاء یا اثر انگشت درخواست کننده</p> <p>تبصره_ سایر مقررات مربوط به تنظیم، ارسال و ثبت دادخواست، به استثناء ذی نفع بودن درخواست کننده و پرداخت هزینه دادرسی، در درخواست ابطال مصوبه نیز جاری است. درخواستها توسط رئیس دیوان، به دفتر هیأت عمومی ارجاع می شود.</p>	<p>تصریح به موارد زیر ضروری است:</p> <p>الف_ مشخصات و اقامتگاه درخواست کننده</p> <p>ب_ مشخصات مصوبه مورد اعتراض</p> <p>ج_ حکم شرعی یا مواد قانونی که ادعای مغایرت مصوبه با آن شده</p> <p>د_ دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب کننده</p> <p>ه_ امضاء یا اثر انگشت درخواست کننده</p> <p>تبصره_ سایر مقررات مربوط به تنظیم، ارسال و ثبت دادخواست، به استثناء ذی نفع بودن درخواست کننده و پرداخت هزینه دادرسی، در درخواست ابطال مصوبه نیز جاری است. درخواستها توسط رئیس دیوان، به دفتر هیأت عمومی ارجاع می شود.</p>
<p>ماده ۸۲_ در صورت عدم رعایت موارد مذکور در ماده فوق مدیر دفتر هیأت عمومی به شرح زیر اقدام می نماید:</p> <p>۱_ در مورد بند(الف) ظرف پنج روز قرار رد درخواست صادر می نماید.</p> <p>۲_ در مورد بند(ه) مطابق ماده(۲۹) این قانون بایگانی می نماید.</p> <p>۳_ در سایر موارد با ذکر جهات نقص، اخطاریه صادر و متقاضی مکلف است ظرف ده روز پس از ابلاغ، نسبت به رفع نقص اقدام کند. در غیر این صورت، قرار رد درخواست صادر می شود. این قرار، قطعی است.</p>	<p>۴_ منظور مواد (۱۱) و (۶۰) روشن نیست و ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر می گردد.</p>	<p>ماده ۶۰_ در صورت عدم رعایت موارد مذکور در ماده فوق مدیر دفتر هیأت عمومی به شرح زیر اقدام می نماید:</p> <p>۱_ در مورد بند «الف» ظرف پنج روز قرار رد درخواست صادر می نماید.</p> <p>۲_ در مورد بند «ه» مطابق تبصره(۳) ماده(۲۱) قانون دیوان عدالت اداری بایگانی می نماید.</p> <p>۳_ در سایر موارد با ذکر جهات نقص، اخطاریه صادر و متقاضی مکلف است ظرف ده روز پس از ابلاغ، نسبت به رفع نقص اقدام کند. در غیر این صورت، قرار رد درخواست صادر خواهد شد. این قرار قطعی است.</p>	<p>ماده ۸۲_ در صورت عدم رعایت موارد مذکور در ماده فوق مدیر دفتر هیأت عمومی به شرح زیر اقدام می نماید:</p> <p>۱_ در مورد بند «الف» ظرف پنج روز قرار رد درخواست صادر می نماید.</p> <p>۲_ در مورد بند «ه» مطابق ماده(۲۹) این قانون بایگانی می نماید.</p> <p>۳_ در سایر موارد با ذکر جهات نقص، اخطاریه صادر و متقاضی مکلف است ظرف ده روز پس از ابلاغ، نسبت به رفع نقص اقدام کند. در غیر این صورت، قرار رد درخواست صادر خواهد شد. این قرار، قطعی است.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)
<p>ماده ۸۳ _ مدیر دفتر هیأت عمومی، درخواست را به نظر رئیس دیوان می‌رساند. چنانچه درخواست مشمول ماده (۸۶) این قانون باشد، رئیس یا معاون قضائی وی، وفق حکم آن ماده اقدام می‌کند و در بقیه موارد، درخواست جهت اخذ پاسخ از مرجع تصویب‌کننده، به دفتر اعاده می‌شود و در نوبت رسیدگی قرار می‌گیرد.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۶۱ _ مدیر دفتر هیأت عمومی، درخواست را به نظر رئیس دیوان می‌رساند. چنانچه درخواست مشمول ماده (۳۹) قانون دیوان عدالت اداری باشد، رئیس یا معاون قضائی وی، وفق حکم آن ماده اقدام می‌کند و در بقیه موارد، درخواست جهت اخذ پاسخ از مرجع تصویب‌کننده، به دفتر اعاده می‌شود و در نوبت رسیدگی قرار می‌گیرد.</p>	<p>ماده ۸۳ _ مدیر دفتر هیأت عمومی، درخواست را به نظر رئیس دیوان می‌رساند. چنانچه درخواست مشمول ماده (۸۶) این قانون باشد، رئیس یا معاون قضائی وی، وفق حکم آن ماده اقدام می‌کند و در بقیه موارد، درخواست جهت اخذ پاسخ از مرجع تصویب‌کننده، به دفتر اعاده می‌شود و در نوبت رسیدگی قرار می‌گیرد.</p>
<p>ماده ۸۴ _ مدیر دفتر هیأت عمومی نسخه‌ای از درخواست و ضمائم آن را برای مرجع تصویب‌کننده، ارسال می‌کند. مرجع مربوط مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند. در هر صورت، پس از انقضاء مهلت مزبور، هیأت عمومی به موضوع رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.</p> <p>تبصره _ چنانچه مرجع تصویب‌کننده ظرف مهلت مقرر درخواست تمدید وقت برای ارسال پاسخ نماید، رئیس دیوان می‌تواند در صورت ضرورت، رسیدگی به پرونده را حداکثر تا سه ماه دیگر به تأخیر اندازد.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۶۴ _ مدیر دفتر هیأت عمومی نسخه‌ای از درخواست و ضمائم آن را برای مرجع تصویب‌کننده، ارسال می‌کند. مرجع مربوط مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند. در هر صورت، پس از انقضاء مهلت مزبور، هیأت عمومی به موضوع رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.</p> <p>تبصره _ چنانچه مرجع تصویب‌کننده ظرف مهلت مقرر درخواست تمدید وقت برای ارسال پاسخ نماید، رئیس دیوان می‌تواند در صورت ضرورت، رسیدگی به پرونده را حداکثر تا سه ماه دیگر به تأخیر اندازد.</p>	<p>ماده ۸۴ _ مدیر دفتر هیأت عمومی نسخه‌ای از درخواست و ضمائم آن را برای مرجع تصویب‌کننده، ارسال می‌کند. مرجع مربوط مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند. در هر صورت، پس از انقضاء مهلت مزبور، هیأت عمومی به موضوع رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.</p> <p>تبصره _ چنانچه مرجع تصویب‌کننده ظرف مهلت مقرر درخواست تمدید وقت برای ارسال پاسخ نماید، رئیس دیوان می‌تواند در صورت ضرورت، رسیدگی به پرونده را حداکثر تا سه ماه دیگر به تأخیر اندازد.</p>
<p>ماده ۸۵ _ اموری که مطابق قانون در صلاحیت هیأت عمومی دیوان است، ابتدا به هیأت‌های تخصصی مرکب از حداقل پانزده نفر از قضات دیوان ارجاع می‌شود. رسمیت جلسات هیأت‌های تخصصی منوط به حضور دو سوم اعضاء است که به ترتیب زیر عمل می‌کنند:</p> <p>الف _ در صورتی که نظر اکثریت مطلق هیأت تخصصی بر قبول شکایت و ابطال مصوبه باشد، پرونده به همراه نظریه هیأت جهت اتخاذ تصمیم به هیأت عمومی ارسال می‌شود.</p> <p>ب _ در صورتی که نظر سه چهارم اعضاء هیأت</p>	<p>۹ _ در ماده (۶۵) و تبصره‌های آن، همان ایراد بند (۶) وارد می‌باشد. علاوه بر این در این باره رعایت ماده (۴۱) قانون دیوان عدالت اداری نیز لازم است. همچنین در این مصوبه هر جا که عبارت «هیأت تخصصی» و یا وظایف و اختیاراتی برای این هیأت آمده است، باید اصلاح گردد.</p>	<p>ماده ۶۵ _ اموری که مطابق قانون در صلاحیت هیأت عمومی دیوان است، ابتدا به هیأت‌های تخصصی مرکب از حداقل پانزده نفر از قضات دیوان ارجاع می‌شود. رسمیت جلسات هیأت‌های تخصصی منوط به حضور دو سوم اعضاء است که به ترتیب زیر عمل می‌کنند:</p> <p>الف _ در صورتی که نظر اکثریت مطلق هیأت تخصصی بر قبول شکایت و ابطال مصوبه باشد، پرونده به همراه نظریه هیأت جهت اتخاذ تصمیم به هیأت عمومی ارسال می‌شود.</p>	<p>ماده ۸۵ _ اموری که مطابق قانون در صلاحیت هیأت عمومی دیوان است، ابتدا به هیأت‌های تخصصی مرکب از حداقل پانزده نفر از قضات دیوان ارجاع می‌شود. رسمیت جلسات هیأت‌های تخصصی منوط به حضور دو سوم اعضاء است که به ترتیب زیر عمل می‌کنند:</p> <p>الف _ در صورتی که نظر اکثریت مطلق هیأت تخصصی بر قبول شکایت و ابطال مصوبه باشد، پرونده به همراه نظریه هیأت جهت اتخاذ تصمیم به هیأت عمومی ارسال می‌شود.</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
<p>ب_ در صورتی که نظر سه چهارم اعضاء هیأت تخصصی بر رد شکایت باشد، رأی به رد شکایت صادر می‌کند. این رأی ظرف بیست روز از تاریخ صدور، از سوی رئیس دیوان یا ده نفر از قضات دیوان قابل اعتراض است. در صورت اعتراض و یا در صورتی که نظر اکثریت کمتر از سه چهارم اعضاء بر رد شکایت باشد، پرونده به شرح بند «الف» در هیأت عمومی مطرح و اتخاذ تصمیم می‌شود.</p> <p>تبصره ۱_ تعیین تعداد هیأت‌های تخصصی و انتخاب اعضاء آن و ترتیب رسیدگی در هیأت‌های مذکور مطابق آیین‌نامه‌ای است که توسط رئیس دیوان تدوین و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.</p> <p>تبصره ۲_ تصمیمات هیأت‌های تخصصی بلافاصله به اطلاع قضات دیوان می‌رسد.</p>	<p>ب_ در صورتی که نظر سه چهارم اعضاء هیأت تخصصی بر رد شکایت باشد، رأی به رد شکایت صادر می‌کند. این رأی ظرف بیست روز از تاریخ صدور، از سوی رئیس دیوان یا ده نفر از قضات دیوان قابل اعتراض است. در صورت اعتراض و یا در صورتی که نظر اکثریت کمتر از سه چهارم اعضاء بر رد شکایت باشد، پرونده به شرح بند «الف» در هیأت عمومی مطرح و اتخاذ تصمیم می‌شود.</p> <p>تبصره ۱_ تعیین تعداد هیأت‌های تخصصی و انتخاب اعضاء آن و ترتیب رسیدگی در هیأت‌های مذکور مطابق آیین‌نامه‌ای است که توسط رئیس دیوان تدوین و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.</p> <p>تبصره ۲_ تصمیمات هیأت‌های تخصصی بلافاصله به اطلاع قضات دیوان می‌رسد.</p>	<p>نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)</p>	<p>اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)</p> <p>تخصصی بر رد شکایت باشد، رأی به رد شکایت صادر می‌کند. این رأی ظرف بیست روز از تاریخ صدور، از سوی رئیس دیوان یا ده نفر از قضات دیوان قابل اعتراض است. در صورت اعتراض و یا در صورتی که نظر اکثریت کمتر از سه چهارم اعضاء بر رد شکایت باشد، پرونده به شرح بند(الف) در هیأت عمومی مطرح و اتخاذ تصمیم می‌شود.</p> <p>تبصره ۱_ تعیین تعداد هیأت‌های تخصصی و انتخاب اعضاء آن و ترتیب رسیدگی در هیأت‌های مذکور مطابق آیین‌نامه‌ای است که توسط رئیس دیوان تدوین می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.</p> <p>تبصره ۲_ تصمیمات هیأت‌های تخصصی بلافاصله به اطلاع قضات دیوان می‌رسد.</p>
<p>ماده ۸۶_ در مواردی که به تشخیص رئیس دیوان، رسیدگی به درخواست ابطال مصوبه موضوعاً متفی باشد، مانند موارد استرداد درخواست از سوی متقاضی یا وجود رأی قبلی دیوان در مورد مصوبه، رئیس دیوان قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار قطعی است.</p>	***	***	<p>ماده ۸۶_ در مواردی که به تشخیص رئیس دیوان، رسیدگی به درخواست ابطال مصوبه موضوعاً متفی باشد، مانند موارد استرداد درخواست از سوی متقاضی یا وجود رأی قبلی دیوان در مورد مصوبه، رئیس دیوان قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار قطعی است.</p>
<p>ماده ۸۷_ در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان به هر نحو از مغایرت یک مصوبه با شرع یا قانون یا خروج آن از اختیارات مقام تصویب‌کننده مطلع شوند، موظفند موضوع را در هیأت عمومی مطرح و ابطال مصوبه را درخواست نمایند.</p>	***	***	<p>ماده ۸۷_ در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان به هر نحو از مغایرت یک مصوبه با شرع یا قانون یا خروج آن از اختیارات مقام تصویب‌کننده مطلع شوند، موظفند موضوع را در هیأت عمومی مطرح و ابطال مصوبه را درخواست نمایند.</p>
<p>ماده ۸۸_ در صورتی که مصوبه‌ای به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع</p>	***	***	<p>ماده ۸۸_ در صورتی که مصوبه‌ای به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی، لازم‌الاتباع است.			جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی، لازم‌الاتباع است.
ماده ۸۹ - هیأت عمومی، در اجرای بند (۱) ماده (۱۲) این قانون می‌تواند تمام یا قسمتی از مصوبه را ابطال نماید.	***	***	ماده ۸۹ - هیأت عمومی، در اجرای بند (۱) ماده (۱۲) این قانون می‌تواند تمام یا قسمتی از مصوبه را ابطال نماید.
ماده ۹۰ - هرگاه در موارد مشابه، آرای متعارض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، رئیس دیوان موظف است به محض اطلاع، موضوع را ضمن تهیه و ارائه گزارش در هیأت عمومی دیوان مطرح نماید. هیأت عمومی پس از بررسی و احراز تعارض و اعلام رأی صحیح، نسبت به صدور رأی اقدام می‌نماید. این رأی برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. اثر آرای وحدت رویه مذکور نسبت به آینده است و موجب نقض آرای سابق نمی‌شود لکن در مورد احکامی که در هیأت عمومی مطرح و غیر صحیح تشخیص داده شده شخص ذی‌نفع ظرف یک ماه از تاریخ درج رأی در روزنامه رسمی حق تجدیدنظرخواهی را دارد. در این صورت پرونده به شعبه تجدیدنظری که قبلاً در پرونده دخالت نداشته ارجاع و شعبه مذکور موظف به رسیدگی و صدور رأی بر طبق رأی مزبور است.	***	***	ماده ۹۰ - هرگاه در موارد مشابه، آراء متعارض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، رئیس دیوان موظف است به محض اطلاع، موضوع را ضمن تهیه و ارائه گزارش در هیأت عمومی دیوان مطرح نماید. هیأت عمومی پس از بررسی و احراز تعارض و اعلام رأی صحیح، نسبت به صدور رأی اقدام می‌نماید. این رأی برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. اثر آراء وحدت رویه مذکور نسبت به آینده است و موجب نقض آراء سابق نمی‌شود لکن در مورد احکامی که در هیأت عمومی مطرح و غیر صحیح تشخیص داده شده شخص ذی‌نفع ظرف یک ماه از تاریخ درج رأی در روزنامه رسمی حق تجدیدنظرخواهی را دارد. در این صورت پرونده به شعبه تجدیدنظری که قبلاً در پرونده دخالت نداشته ارجاع می‌شود و شعبه مذکور موظف به رسیدگی و صدور رأی بر طبق رأی مزبور است.
ماده ۹۱ - هرگاه در موضوع واحد حداقل پنج رأی مشابه از دو یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، رئیس دیوان می‌تواند موضوع را در هیأت عمومی مطرح و تقاضای تسری آن را نسبت به موضوعات مشابه نماید. در صورتی		***	ماده ۹۱ - هرگاه در موضوع واحد حداقل پنج رأی مشابه از دو یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، رئیس دیوان می‌تواند موضوع را در هیأت عمومی مطرح و تقاضای تسری آن را نسبت به موضوعات مشابه نماید. در صورتی

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
<p>که هیأت عمومی آرای صادر شده را صحیح تشخیص دهد، آن را برای ایجاد رویه تصویب می‌نماید. این رأی برای سایر شعب دیوان، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط لازم‌الاتباع است.</p> <p>تبصره- پس از صدور رأی ایجاد رویه، رسیدگی به شکایات موضوع این ماده در شعب دیوان به صورت خارج از نوبت و بدون نیاز به ارسال نسخه‌ای از دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت، انجام می‌گیرد.</p>	<p>که هیأت عمومی آراء صادر شده را صحیح تشخیص دهد، آن را برای ایجاد رویه تصویب می‌نماید. این رأی برای سایر شعب دیوان، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط لازم‌الاتباع است.</p> <p>تبصره- پس از صدور رأی ایجاد رویه، رسیدگی به شکایات موضوع این ماده در شعب دیوان به صورت خارج از نوبت و بدون نیاز به ارسال نسخه‌ای از دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت، انجام می‌گیرد.</p>	<p>نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)</p>	<p>اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)</p> <p>صورتی که هیأت عمومی آراء صادر شده را صحیح تشخیص دهد، آن را برای ایجاد رویه تصویب می‌نماید. این رأی برای سایر شعب دیوان، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط لازم‌الاتباع است.</p> <p>تبصره- پس از صدور رأی ایجاد رویه، رسیدگی به شکایات موضوع این ماده در شعب دیوان به صورت خارج از نوبت و بدون نیاز به ارسال نسخه‌ای از دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت، انجام می‌گیرد.</p>
<p>ماده ۹۲- طرح آرای قبلی هیأت عمومی برای رسیدگی مجدد در هیأت عمومی، در موارد ادعای اشتباه یا مغایرت با قانون یا تعارض با یکدیگر، مستلزم اعلام اشتباه از سوی رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان یا تقاضای کتبی و مستدل بیست نفر از قضات دیوان است.</p>	<p>ماده ۶۷- طرح آراء قبلی هیأت عمومی برای رسیدگی مجدد در هیأت عمومی، در موارد ادعای اشتباه یا مغایرت با قانون یا تعارض با یکدیگر، مستلزم اعلام اشتباه از سوی رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان یا تقاضای کتبی و مستدل بیست نفر از قضات دیوان است.</p>	<p>۱۰- در مواد (۶۷) و (۹۲) نیز ایراد بند (۶) وارد است.</p>	<p>ماده ۹۲- طرح آراء قبلی هیأت عمومی برای رسیدگی مجدد در هیأت عمومی، در موارد ادعای اشتباه یا مغایرت با قانون یا تعارض با یکدیگر، مستلزم اعلام اشتباه از سوی رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان یا تقاضای کتبی و مستدل بیست نفر از قضات دیوان است.</p>
<p>ماده ۹۳- چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد آن در مصوبات بعدی، الزامی است. هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده (۸۴) این قانون و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده، در هیأت عمومی مطرح می‌نماید.</p>	<p>ماده ۶۸- چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد آن در مصوبات بعدی، الزامی است. هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده (۶۵) این قانون و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده، در هیأت عمومی مطرح می‌نماید.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۹۳- چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد آن در مصوبات بعدی، الزامی است. هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده (۸۴) این قانون و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده، در هیأت عمومی مطرح می‌نماید.</p>
<p>ماده ۹۴- افرادی که در اجرای آرای هیأت عمومی، خود را ذی‌نفع می‌دانند، در صورت عدم اجرای آن از سوی مسؤولان ذی‌ربط، می‌توانند رسیدگی به استتکاف مسؤول مربوط را از دیوان، درخواست نمایند. این درخواست از سوی رئیس دیوان، به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می‌شود. شعبه مذکور در صورت احراز ذی‌نفع بودن</p>	<p>***</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۹۴- افرادی که در اجرای آراء هیأت عمومی، خود را ذی‌نفع می‌دانند، در صورت عدم اجرای آن از سوی مسؤولان ذی‌ربط، می‌توانند رسیدگی به استتکاف مسؤول مربوط را از دیوان، درخواست نمایند. این درخواست از سوی رئیس دیوان، به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می‌شود. شعبه مذکور در صورت احراز ذی‌نفع بودن</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
درخواست‌کننده و استتکاف مسؤول مربوط، به موجب ماده(۱۰۸) این قانون اتخاذ تصمیم می‌نماید.			درخواست‌کننده و استتکاف مسؤول مربوط، به موجب ماده(۱۰۸) این قانون اتخاذ تصمیم می‌نماید.
ماده ۹۵ - احکام صادر شده از هیأت عمومی دیوان که مستلزم عملیات اجرایی باشد از طریق دفتر هیأت عمومی به واحد اجرای احکام دیوان ابلاغ می‌گردد. واحد اجرای احکام دیوان موظف است مراتب را به مبادی ذی ربط اعلام نماید. مراجع مذکور مکلف به اجرای حکم و اعلام نتیجه به دیوان خواهند بود و در صورت استتکاف طبق ماده(۱۰۹) این قانون اقدام خواهد شد.	ماده ۶۹ - احکام صادر شده از هیأت عمومی دیوان که مستلزم عملیات اجرایی باشد از طریق دفتر هیأت عمومی به واحد اجرای احکام دیوان ابلاغ می‌گردد. واحد اجرای احکام دیوان موظف است مراتب را به مبادی ذی ربط اعلام نماید. مراجع مذکور مکلف به اجرای حکم و اعلام نتیجه به دیوان خواهند بود و در صورت استتکاف طبق ماده(۸۲) این قانون اقدام خواهد شد.	***	ماده ۹۵ - احکام صادر شده از هیأت عمومی دیوان که مستلزم عملیات اجرایی باشد از طریق دفتر هیأت عمومی به واحد اجرای احکام دیوان ابلاغ می‌گردد. واحد اجرای احکام دیوان موظف است مراتب را به مبادی ذی ربط اعلام نماید. مراجع مذکور مکلف به اجرای حکم و اعلام نتیجه به دیوان می‌باشند و در صورت استتکاف طبق ماده(۱۰۹) این قانون اقدام می‌شود.
ماده ۹۶ - اداره جلسات هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی، انشاء، ابلاغ و اصلاح آرای هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی، وفق این قانون، مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم الاجرای شدن این قانون، توسط رئیس دیوان تهیه و به تصویب هیأت عمومی دیوان می‌رسد.	ماده ۷۰ - اداره جلسات هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی، انشاء، ابلاغ و اصلاح آراء هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی، وفق این قانون، مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، توسط رئیس دیوان تهیه و به تصویب هیأت عمومی دیوان می‌رسد.	۱۱ - در ماده (۷۰)، اطلاق واگذاری موارد انشاء، ابلاغ و اصلاح آراء هیأت عمومی و تخصصی به آیین‌نامه، تقنین محسوب و مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است.	ماده ۹۶ - اداره جلسات هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی، انشاء، ابلاغ و اصلاح آراء هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی، وفق این قانون، مطابق آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، توسط رئیس دیوان تهیه می‌شود و به تصویب هیأت عمومی دیوان می‌رسد.
بخش سوم - اعاده دادرسی	مبحث چهارم - اعاده دادرسی	***	بخش سوم - اعاده دادرسی
ماده ۹۷ - دادخواست اعاده دادرسی نسبت به احکام قطعی به جهت ذیل امکان پذیر است: الف - حکم، خارج از موضوع شکایت صادر شده باشد ب - حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد ج - در مفاد حکم تضاد وجود داشته باشد د - حکم صادر شده با حکم دیگری درخصوص همان دعوا و اصحاب آن، که قبلاً توسط همان شعبه یا شعبه دیگر صادر شده است متعارض بوده بدون آنکه سبب قانونی موجب این تعارض باشد ه - حکم مستند به اسنادی باشد که پس از صدور، جعلی بودن و یا عدم اعتبار آنها به موجب حکم مراجع صالح	ماده ۷۱ - دادخواست اعاده دادرسی نسبت به احکام قطعی به جهت ذیل امکان پذیر است: الف - حکم خارج از موضوع شکایت صادر شده باشد. ب - حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد. ج - در مفاد حکم تضاد وجود داشته باشد. د - حکم صادر شده با حکم دیگری درخصوص همان دعوا و اصحاب آن، که قبلاً توسط همان شعبه یا شعبه دیگر صادر شده است متعارض بوده بدون آن که سبب قانونی موجب این تعارض باشد. ه - حکم مستند به اسنادی باشد که پس از صدور، جعلی	***	ماده ۹۷ - دادخواست اعاده دادرسی نسبت به احکام قطعی به جهت ذیل امکان پذیر است: الف - حکم، خارج از موضوع شکایت صادر شده باشد. ب - حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد. پ - در مفاد حکم تضاد وجود داشته باشد. ت - حکم صادر شده با حکم دیگری درخصوص همان دعوی و اصحاب آن، که قبلاً توسط همان شعبه یا شعبه دیگر صادر شده است متعارض بوده بدون آن که سبب قانونی موجب این تعارض باشد. ث - حکم مستند به اسنادی باشد که پس از صدور،

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
قانونی ثابت شده باشد و پس از صدور حکم، اسناد و دلایلی به دست آید که دلیل حقایق در خواست کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و دلایل یاد شده در جریان دادرسی در اختیار وی نبوده است	بودن و یا عدم اعتبار آنها به موجب حکم مراجع صالح قانونی ثابت شده باشد. و پس از صدور حکم، اسناد و دلایلی به دست آید که دلیل حقایق در خواست کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و دلایل یاد شده در جریان دادرسی در اختیار وی نبوده است.		جعلی بودن و یا عدم اعتبار آنها به موجب حکم مراجع صالح قانونی ثابت شده باشد. ج- پس از صدور حکم، اسناد و دلایلی به دست آید که دلیل حقایق در خواست کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و دلایل یاد شده در جریان دادرسی در اختیار وی نبوده است.
ماده ۹۸- مهلت تقدیم دادخواست اعاده دادرسی به شرح زیر است: ۱- در مورد بندهای «الف» تا «ج» ماده (۹۷) این قانون، بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی شعبه ۲- در خصوص بندهای «د» تا «و» ماده (۹۷) این قانون، بیست روز از زمان حصول سبب اعاده دادرسی	ماده ۷۲- مهلت تقدیم دادخواست اعاده دادرسی به شرح زیر است: ۱- در مورد بندهای «الف» تا «ج» ماده قبل، بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی شعبه ۲- در خصوص بندهای «د» تا «و» ماده قبل، بیست روز از زمان حصول سبب اعاده دادرسی	***	ماده ۹۸- مهلت تقدیم دادخواست اعاده دادرسی به شرح زیر است: ۱- در مورد بندهای «الف» تا «ج» ماده (۹۷) این قانون، بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی شعبه ۲- در خصوص بندهای «د» تا «و» ماده (۹۷) این قانون، بیست روز از زمان حصول سبب اعاده دادرسی
ماده ۹۹- دادخواست اعاده دادرسی با رعایت مواد مربوط به دادخواست مندرج در این قانون با ذکر جتهی که موجب اعاده دادرسی شده است، به شعبه صادرکننده رأی تقدیم می شود.	ماده ۷۳- دادخواست اعاده دادرسی با رعایت مواد مربوط به دادخواست مندرج در این قانون با ذکر جتهی که موجب اعاده دادرسی شده است، به شعبه صادرکننده رأی تقدیم می شود.	***	ماده ۹۹- دادخواست اعاده دادرسی با رعایت مواد مربوط به دادخواست مندرج در این قانون با ذکر جتهی که موجب اعاده دادرسی شده است، به شعبه صادرکننده رأی تقدیم می شود.
ماده ۱۰۰- هزینه دادخواست اعاده دادرسی برابر هزینه تقدیم دادخواست به شعب تجدیدنظر دیوان است.	ماده ۷۴- هزینه دادخواست اعاده دادرسی برابر هزینه تقدیم دادخواست به شعب تجدیدنظر دیوان است.	***	ماده ۱۰۰- هزینه دادخواست اعاده دادرسی برابر هزینه تقدیم دادخواست به شعب تجدیدنظر دیوان است.
ماده ۱۰۱- رسیدگی به دادخواست اعاده دادرسی در صلاحیت شعبه صادرکننده حکم قطعی است. شعبه مذکور در ابتدا در مورد قبول یا رد این دادخواست قرار لازم را صادر می نماید و در صورت قبول دادخواست مبادرت به رسیدگی ماهوی می کند.	ماده ۷۵- رسیدگی به دادخواست اعاده دادرسی در صلاحیت شعبه صادرکننده حکم قطعی است. شعبه مذکور در ابتدا در مورد قبول یا رد این دادخواست قرار لازم را صادر می نماید و در صورت قبول دادخواست مبادرت به رسیدگی ماهوی می کند.	***	ماده ۱۰۱- رسیدگی به دادخواست اعاده دادرسی در صلاحیت شعبه صادرکننده حکم قطعی است. شعبه مذکور در ابتدا در مورد قبول یا رد این دادخواست قرار لازم را صادر می نماید و در صورت قبول دادخواست مبادرت به رسیدگی ماهوی می کند.
ماده ۱۰۲- شعبه رسیدگی کننده به اعاده دادرسی می تواند در صورت احراز ضرورت، دستور توقف اجرای حکم مورد تقاضای اعاده دادرسی را صادر نماید.	***	***	ماده ۱۰۲- شعبه رسیدگی کننده به اعاده دادرسی می تواند در صورت احراز ضرورت، دستور توقف اجرای حکم مورد تقاضای اعاده دادرسی را صادر نماید.

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
<p>ماده ۱۰۳ - هرگاه شعبه دادخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد، حکم مورد تقاضای اعاده دادرسی را نقض و حکم مقتضی صادر می‌نماید. در صورتی که دادخواست اعاده دادرسی راجع به قسمتی از حکم باشد، فقط همان قسمت نقض یا اصلاح می‌گردد. چنانچه جهت دادخواست اعاده دادرسی، مغایرت دو حکم باشد، شعبه رسیدگی کننده پس از قبول اعاده دادرسی، حکم دوم را نقض می‌نماید و حکم اول به قوت خود باقی خواهد بود.</p>	<p>ماده ۷۶ - هرگاه پس از رسیدگی شعبه دادخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد، حکم مورد تقاضای اعاده دادرسی را نقض و حکم مقتضی صادر می‌نماید. در صورتی که دادخواست اعاده دادرسی راجع به قسمتی از حکم باشد، فقط همان قسمت نقض یا اصلاح می‌گردد. چنانچه جهت دادخواست اعاده دادرسی، مغایرت دو حکم باشد، شعبه رسیدگی کننده پس از قبول اعاده دادرسی، حکم دوم را نقض می‌نماید و حکم اول به قوت خود باقی خواهد بود.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۰۳ - هرگاه شعبه دادخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد، حکم مورد تقاضای اعاده دادرسی را نقض و حکم مقتضی صادر می‌نماید. در صورتی که دادخواست اعاده دادرسی راجع به قسمتی از حکم باشد، فقط همان قسمت نقض یا اصلاح می‌گردد. چنانچه جهت دادخواست اعاده دادرسی، مغایرت دو حکم باشد، شعبه رسیدگی کننده پس از قبول اعاده دادرسی، حکم دوم را نقض می‌نماید و حکم اول به قوت خود باقی می‌ماند.</p>
<p>ماده ۱۰۴ - حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می‌گردد، قابل اعاده دادرسی مجدد از همان جهت نیست.</p>	<p>ماده ۷۷ - حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می‌گردد، قابل اعاده دادرسی مجدد از همان جهت نیست.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۰۴ - حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می‌گردد، قابل اعاده دادرسی مجدد از همان جهت نیست.</p>
<p>ماده ۱۰۵ - در اعاده دادرسی غیر از طرفین دعوا، وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آنان، شخص دیگری به هیچ عنوان نمی‌تواند وارد دعوا شود.</p>	<p>ماده ۷۸ - در اعاده دادرسی غیر از طرفین دعوا، وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آنان، شخص دیگری به هیچ عنوان نمی‌تواند وارد دعوا شود.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۰۵ - در اعاده دادرسی غیر از طرفین دعوی، وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آنان، شخص دیگری به هیچ عنوان نمی‌تواند وارد دعوی شود.</p>
<p>بخش چهارم - اجرای احکام</p>	<p>مبحث پنجم - اجرای احکام</p>	<p>***</p>	<p>بخش چهارم - اجرای احکام</p>
<p>ماده ۱۰۶ - کلیه اشخاص و مراجع مذکور در ماده (۱۰) این قانون مکلفند آرای دیوان را پس از ابلاغ به فوریت اجرا نمایند.</p>	<p>***</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۰۶ - کلیه اشخاص و مراجع مذکور در ماده (۱۰) این قانون مکلفند آرای دیوان را پس از ابلاغ به فوریت اجرا نمایند.</p>
<p>ماده ۱۰۷ - شعب دیوان پس از ابلاغ رأی به محکوم علیه یک نسخه از آن را به انضمام پرونده به واحد اجرای احکام دیوان ارسال می‌نماید. محکوم علیه مکلف است ظرف مدت یک ماه نسبت به اجرای کامل آن یا جلب رضایت محکوم له اقدام و نتیجه را به طور کتبی به واحد اجرای احکام دیوان گزارش نماید.</p>	<p>ماده ۷۹ - شعب دیوان پس از ابلاغ رأی به محکوم علیه یک نسخه از آن را به انضمام پرونده به واحد اجرای احکام دیوان ارسال می‌نماید. محکوم علیه مکلف است ظرف یک ماه نسبت به اجرای کامل آن یا جلب رضایت محکوم له اقدام و نتیجه را به طور کتبی به واحد اجرای احکام دیوان گزارش نماید.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۰۷ - شعب دیوان پس از ابلاغ رأی به محکوم علیه یک نسخه از آن را به انضمام پرونده به واحد اجرای احکام دیوان ارسال می‌نماید. محکوم علیه مکلف است ظرف مدت یک ماه نسبت به اجرای کامل آن یا جلب رضایت محکوم له اقدام و نتیجه را به طور کتبی به واحد اجرای احکام دیوان گزارش نماید.</p>
<p>ماده ۱۰۸ - هرگاه پس از انتشار رأی هیأت عمومی دیوان در روزنامه رسمی کشور مسؤولان ذی ربط از اجرای آن</p>	<p>ماده ۸۱ - هرگاه پس از انتشار رأی هیأت عمومی دیوان در روزنامه رسمی کشور مسؤولان ذی ربط از اجرای آن</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۰۸ - هرگاه پس از انتشار رأی هیأت عمومی دیوان در روزنامه رسمی کشور مسؤولان ذی ربط از اجرای آن</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)
<p>استنکاف نمایند، به تقاضای ذی‌نفع یا رئیس دیوان و با حکم یکی از شعب دیوان، مستنکف به انفسال موقت از خدمات دولتی به مدت سه ماه تا یک سال و جبران خسارت وارده محکوم می‌شود.</p> <p>تبصره- تقاضای ذی‌نفع برای اجرای آراء هیأت عمومی، باید به‌صورت تقدیم دادخواست باشد. افرادی که از عدم اجرای آراء هیأت عمومی در مورد ابطال مصوبه مطلع می‌شوند، می‌توانند موضوع را به رئیس دیوان منعکس نمایند تا رئیس دیوان نسبت به پیگیری موضوع از طریق شعب دیوان اقدام نماید.</p>		<p>استنکاف نمایند، به تقاضای ذی‌نفع یا رئیس دیوان و با حکم یکی از شعب دیوان، مستنکف به انفسال موقت از خدمات دولتی به مدت سه ماه تا یک سال و جبران خسارت وارده محکوم می‌شود.</p> <p>تبصره- تقاضای ذی‌نفع برای اجرای آراء هیأت عمومی، باید به‌صورت تقدیم دادخواست باشد. افرادی که از عدم اجرای آراء هیأت عمومی در مورد ابطال مصوبه مطلع می‌شوند، می‌توانند موضوع را به رئیس دیوان منعکس نمایند تا رئیس دیوان نسبت به پیگیری موضوع از طریق شعب دیوان اقدام نماید.</p>	<p>استنکاف نمایند، به تقاضای ذی‌نفع یا رئیس دیوان و با حکم یکی از شعب دیوان، مستنکف به انفسال موقت از خدمات دولتی به مدت سه ماه تا یک سال و جبران خسارت وارده محکوم می‌شود.</p> <p>تبصره- تقاضای ذی‌نفع برای اجرای آراء هیأت عمومی، باید به‌صورت تقدیم دادخواست باشد. افرادی که از عدم اجرای آراء هیأت عمومی در مورد ابطال مصوبه مطلع می‌شوند، می‌توانند موضوع را به رئیس دیوان منعکس نمایند تا رئیس دیوان نسبت به پیگیری موضوع از طریق شعب دیوان اقدام نماید.</p>
<p>ماده ۱۰۹- در صورت استنکاف شخص یا مرجع محکوم‌علیه از اجرای حکم قطعی، واحد اجرای احکام دیوان، مراتب را به رئیس دیوان گزارش می‌کند.</p> <p>رئیس دیوان بلافاصله پرونده را به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارجاع می‌نماید. شعبه مذکور موظف است خارج از نوبت به موضوع استنکاف رسیدگی و رأی مقتضی صادر و پرونده را جهت اقدامات بعدی به واحد اجرای احکام دیوان ارسال نماید.</p> <p>تبصره ۱- در مواردی که اجرای حکم، مستلزم اتخاذ تصمیم توسط شورا، هیأت و یا کمیسیون مرکب از دو یا چند نفر باشد و اعضای آنها از تبعیت حکم صادر شده استنکاف نمایند، تمامی اعضای مؤثر در مخالفت با حکم دیوان، مستنکف شناخته می‌شوند.</p> <p>تبصره ۲- مرجع رسیدگی به استنکاف از رأی هیأت عمومی، شعب تجدیدنظر دیوان است.</p> <p>تبصره ۳- شعبه رسیدگی کننده به استنکاف ابتدا شخص یا</p>	<p align="center">***</p>	<p>ماده ۸۲- در صورت استنکاف شخص یا مرجع محکوم‌علیه از اجرای حکم قطعی، واحد اجرای احکام دیوان، مراتب را به رئیس دیوان گزارش می‌کند.</p> <p>رئیس دیوان بلافاصله پرونده را به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارجاع می‌نماید. شعبه مذکور موظف است خارج از نوبت به موضوع استنکاف رسیدگی و رأی مقتضی صادر و پرونده را جهت اقدامات بعدی به واحد اجرای احکام دیوان ارسال نماید.</p> <p>تبصره ۱- در مواردی که اجرای حکم، مستلزم اتخاذ تصمیم توسط شورا، هیأت و یا کمیسیون مرکب از دو یا چند نفر باشد و اعضای آنها از تبعیت حکم صادر شده استنکاف نمایند، تمامی اعضای مؤثر در مخالفت با حکم دیوان، مستنکف شناخته می‌شوند.</p> <p>تبصره ۲- مرجع رسیدگی به استنکاف از رأی هیأت عمومی، شعب تجدیدنظر دیوان است.</p> <p>تبصره ۳- شعبه رسیدگی کننده به استنکاف ابتدا شخص یا</p>	<p>ماده ۱۰۹- در صورت استنکاف شخص یا مرجع محکوم‌علیه از اجرای حکم قطعی، واحد اجرای احکام دیوان، مراتب را به رئیس دیوان گزارش می‌کند.</p> <p>رئیس دیوان بلافاصله پرونده را به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارجاع می‌نماید. شعبه مذکور موظف است خارج از نوبت به موضوع استنکاف رسیدگی و رأی مقتضی صادر و پرونده را جهت اقدامات بعدی به واحد اجرای احکام دیوان ارسال نماید.</p> <p>تبصره ۱- در مواردی که اجرای حکم، مستلزم اتخاذ تصمیم توسط شورا، هیأت و یا کمیسیون مرکب از دو یا چند نفر باشد و اعضای آنها از تبعیت حکم صادر شده استنکاف نمایند، تمامی اعضای مؤثر در مخالفت با حکم دیوان، مستنکف شناخته می‌شوند.</p> <p>تبصره ۲- مرجع رسیدگی به استنکاف از رأی هیأت عمومی، شعب تجدیدنظر دیوان است.</p> <p>تبصره ۳- شعبه رسیدگی کننده به استنکاف ابتدا شخص یا</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
اشخاص مستنکف را احضار و موضوع را به آنها تفهیم می‌نماید. چنانچه مستنکف استمهال کند، حداکثر یک هفته جهت اجرای حکم و اعلام به دیوان به وی مهلت داده می‌شود و در غیراین صورت و یا پس از انقضای مهلت، مشمول حکم مقرر در ماده (۱۱۱) این قانون قرار خواهد گرفت.	اشخاص مستنکف را احضار و موضوع را به آنها تفهیم می‌نماید. چنانچه مستنکف استمهال کند، حداکثر یک هفته جهت اجرای حکم و اعلام به دیوان به وی مهلت داده می‌شود و در غیراین صورت و یا پس از انقضای مهلت، مشمول حکم مقرر در ماده (۸۳) این قانون قرار خواهد گرفت.		یا اشخاص مستنکف را احضار و موضوع را به آنها تفهیم می‌نماید. چنانچه مستنکف استمهال کند، حداکثر یک هفته جهت اجرای حکم و اعلام به دیوان به وی مهلت داده می‌شود و در غیراین صورت و یا پس از انقضای مهلت، مشمول حکم مقرر در ماده (۱۱۱) این قانون قرار می‌گیرد.
ماده ۱۱۰ - دادرس اجرای احکام از طرق زیر مبادرت به اجرای حکم می‌کند: ۱- احضار مسؤول مربوط و اخذ تعهد بر اجرای حکم یا جلب رضایت محکوم‌له در مدت معین ۲- دستور توقیف حساب بانکی محکوم علیه و برداشت از آن به میزان مبلغ محکوم‌به در صورت عدم اجرای حکم یکسال پس از ابلاغ ۳- دستور توقیف و ضبط اموال شخص متخلف به درخواست ذی‌نفع بر طبق مقررات قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) ۴- دستور ابطال اسناد یا تصمیمات اتخاذ شده مغایر با رأی دیوان با رعایت لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب و اصلاحات بعدی آن و قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها مصوب ۱۳۷۰/۱۲/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام	***	***	ماده ۱۱۰ - دادرس اجرای احکام از طرق زیر مبادرت به اجرای حکم می‌کند: ۱- احضار مسؤول مربوط و اخذ تعهد بر اجرای حکم یا جلب رضایت محکوم‌له در مدت معین ۲- دستور توقیف حساب بانکی محکوم علیه و برداشت از آن به میزان مبلغ محکوم‌به در صورت عدم اجرای حکم یکسال پس از ابلاغ ۳- دستور توقیف و ضبط اموال شخص متخلف به درخواست ذی‌نفع طبق مقررات قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) ۴- دستور ابطال اسناد یا تصمیمات اتخاذ شده مغایر با رأی دیوان با رعایت لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب و اصلاحات بعدی آن و قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها مصوب ۱۳۷۰/۱۲/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام
ماده ۱۱۱ - در صورتی که محکوم‌علیه از اجرای رأی، استنکاف نماید با رأی شعبه صادرکننده حکم، به انفصال موقت از خدمات دولتی تا پنج سال و جبران خسارت	ماده ۸۳ - در صورتی که محکوم‌علیه از اجرای رأی، استنکاف نماید با رأی شعبه صادرکننده حکم، به انفصال موقت از خدمات دولتی تا پنج سال و جبران خسارت	***	ماده ۱۱۱ - در صورتی که محکوم‌علیه از اجرای رأی، استنکاف نماید با رأی شعبه صادرکننده حکم، به انفصال موقت از خدمات دولتی تا پنج سال و جبران خسارت

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
<p>وارده محکوم می‌شود. رأی صادر شده ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعبه تجدیدنظر دیوان می‌باشد و در صورتی که رأی مذکور در شعبه تجدیدنظر صادر شده باشد به شعبه هم عرض ارجاع می‌گردد.</p>	<p>وارده محکوم می‌شود. رأی صادر شده ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعبه تجدیدنظر دیوان می‌باشد و در صورتی که رأی مذکور در شعبه تجدیدنظر صادر شده باشد به شعبه هم عرض ارجاع می‌گردد.</p>	<p>وارده محکوم می‌شود. رأی صادر شده ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعبه تجدیدنظر دیوان می‌باشد و در صورتی که رأی مذکور در شعبه تجدیدنظر صادر شده باشد به شعبه هم عرض ارجاع می‌گردد.</p>	<p>وارده محکوم می‌شود. رأی صادر شده ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعبه تجدیدنظر دیوان می‌باشد و در صورتی که رأی مذکور در شعبه تجدیدنظر صادر شده باشد به شعبه هم عرض ارجاع می‌گردد.</p>
<p>ماده ۱۱۲ - طرح مجدد پرونده در موارد اعلام اشتباه قاضی و یا خلاف بین شرع یا قانون، مانع از اجرای حکم قطعی دیوان نخواهد بود مگر آن که شعبه رسیدگی کننده قرار توقف اجرای حکم را صادر نماید.</p>	<p>ماده ۸۴ - طرح مجدد پرونده در موارد اعلام اشتباه قاضی و یا خلاف بین شرع یا قانون، مانع از اجرای حکم قطعی دیوان نخواهد بود مگر آن که شعبه رسیدگی کننده قرار توقف اجرای حکم را صادر نماید.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۱۲ - طرح مجدد پرونده در موارد اعلام اشتباه قاضی و یا خلاف بین شرع یا قانون، مانع از اجرای حکم قطعی دیوان نیست مگر آن که شعبه رسیدگی کننده قرار توقف اجرای حکم را صادر نماید.</p>
<p>ماده ۱۱۳ - چنانچه در جریان اجرای آرای دیوان، راجع به نحوه اجرای رأی بین طرفین توافقی شود و محکوم علیه به تعهدات خود عمل نماید، محکوم له می‌تواند ادامه عملیات اجرائی را درخواست کند و واحد اجرای احکام دیوان با اجرای رأی دیوان یا توافق، موضوع را پیگیری می‌نماید.</p>	<p>ماده ۸۵ - چنانچه در جریان اجرای آرای دیوان، راجع به نحوه اجرای رأی بین طرفین توافقی شود و محکوم علیه به تعهدات خود عمل نماید، محکوم له می‌تواند ادامه عملیات اجرائی را درخواست کند و واحد اجرای احکام دیوان با اجرای رأی دیوان یا توافق، موضوع را پیگیری می‌نماید.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۱۳ - چنانچه در جریان اجرای آرای دیوان، راجع به نحوه اجرای رأی بین طرفین توافقی شود و محکوم علیه به تعهدات خود عمل نماید، محکوم له می‌تواند ادامه عملیات اجرائی را درخواست کند و واحد اجرای احکام دیوان با اجرای رأی دیوان یا توافق، موضوع را پیگیری می‌نماید.</p>
<p>ماده ۱۱۴ - در مواردی که محکوم علیه در مقام اجرای احکام قطعی دیوان، به موانع قانونی استناد نماید و یا به جهتی امکان عملی اجرای حکم نباشد و این جهات به تشخیص دادرس اجرای احکام دیوان، موجه شناخته شود، از موارد اعاده دادرسی تلقی و پرونده به منظور رسیدگی به این جهات به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارجاع می‌گردد. شعبه مزبور در صورت تأیید وجود مانع قانونی و یا عدم امکان اجرای حکم، رأی مقتضی به جبران خسارت و یا تعیین جایگزین محکوم به صادر می‌نماید. در غیر این صورت قرار رد صادر و پرونده برای ادامه عملیات اجرائی به واحد اجرای احکام دیوان اعاده می‌شود. رأی و یا قرار صادر شده در این مرحله قطعی است.</p>	<p>ماده ۸۶ - در مواردی که محکوم علیه در مقام اجرای احکام قطعی دیوان، به موانع قانونی استناد نماید و یا به جهتی امکان عملی اجرای حکم نباشد و این جهات به تشخیص دادرس اجرای احکام دیوان، موجه شناخته شود، از موارد اعاده دادرسی تلقی و پرونده به منظور رسیدگی به این جهات به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارجاع می‌گردد. شعبه مزبور در صورت تأیید وجود مانع قانونی و یا عدم امکان اجرای حکم، رأی مقتضی به جبران خسارت و یا تعیین جایگزین محکوم به صادر می‌نماید. در غیر این صورت قرار رد صادر و پرونده برای ادامه عملیات اجرائی به واحد اجرای احکام دیوان اعاده می‌شود. رأی و یا قرار صادر شده در این مرحله قطعی است.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۱۴ - در مواردی که محکوم علیه در مقام اجرای احکام قطعی دیوان، به موانع قانونی استناد نماید و یا به جهتی امکان عملی اجرای حکم نباشد و این جهات به تشخیص دادرس اجرای احکام دیوان، موجه شناخته شود، از موارد اعاده دادرسی تلقی و پرونده به منظور رسیدگی به این جهات به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارجاع می‌گردد. شعبه مزبور در صورت تأیید وجود مانع قانونی و یا عدم امکان اجرای حکم، رأی مقتضی به جبران خسارت و یا تعیین جایگزین محکوم به صادر می‌نماید. در غیر این صورت قرار رد صادر و پرونده برای ادامه عملیات اجرائی به واحد اجرای احکام دیوان اعاده می‌شود. رأی و یا قرار صادر شده در این مرحله قطعی است.</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
<p>ماده ۱۱۵ - در مواردی که اجرای حکم قطعی از اختیار محکوم علیه خارج و یا موکول به تمهید مقدماتی از سوی مرجع دیگری غیر از محکوم علیه باشد و مرجع اخیر در جریان دادرسی وارد نشده باشد، ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعلام، مرجع یادشده می تواند به رأی صادر شده اعتراض کند و شعبه صادرکننده رأی قطعی باید به موضوع رسیدگی و اظهار نظر نماید. این رأی قطعی و لازم الاجرا است.</p>	<p>ماده ۸۷ - در مواردی که اجرای حکم قطعی از اختیار محکوم علیه خارج و یا موکول به تمهید مقدماتی از سوی مرجع دیگری غیر از محکوم علیه باشد و مرجع اخیر در جریان دادرسی وارد نشده باشد، ظرف یک ماه از تاریخ اعلام، مرجع یادشده می تواند به رأی صادر شده اعتراض کند و شعبه صادرکننده رأی قطعی باید به موضوع رسیدگی و اظهار نظر نماید. این رأی قطعی و لازم الاجرا است.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۱۵ - در مواردی که اجرای حکم قطعی از اختیار محکوم علیه خارج و یا موکول به تمهید مقدماتی از سوی مرجع دیگری غیر از محکوم علیه باشد و مرجع اخیر در جریان دادرسی وارد نشده باشد، ظرف یک ماه از تاریخ اعلام، مرجع یادشده می تواند به رأی صادر شده اعتراض کند و شعبه صادرکننده رأی قطعی باید به موضوع رسیدگی و اظهار نظر نماید. این رأی قطعی و لازم الاجرا است.</p>
<p>ماده ۱۱۶ - چنانچه دادرس اجرای احکام دیوان، رأی شعبه دیوان را مبهم بداند، به نحوی که اجرای آن امکان نداشته باشد با ذکر مورد ابهام از شعبه صادرکننده رأی تقاضای رفع ابهام می نماید. نظر شعبه در خصوص رفع ابهام، برای دادرس اجرای احکام دیوان، لازم الاتباع است.</p>	<p>ماده ۸۸ - چنانچه دادرس اجرای احکام دیوان، رأی شعبه دیوان را مبهم بداند، به نحوی که اجرای آن امکان نداشته باشد با ذکر مورد ابهام از شعبه صادرکننده رأی تقاضای رفع ابهام می نماید. نظر شعبه در خصوص رفع ابهام، برای دادرس اجرای احکام دیوان، لازم الاتباع است.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۱۶ - چنانچه دادرس اجرای احکام دیوان، رأی شعبه دیوان را مبهم بداند، به نحوی که اجرای آن امکان نداشته باشد با ذکر مورد ابهام از شعبه صادرکننده رأی تقاضای رفع ابهام می نماید. نظر شعبه در خصوص رفع ابهام، برای دادرس اجرای احکام دیوان، لازم الاتباع است.</p>
<p>ماده ۱۱۷ - دستگاه های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ مکلفند دستورات دیوان را در مقام اجرای حکم اجرا کنند. تخلف از مقررات این ماده، علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی حسب مورد، مستوجب مجازات مقرر در ماده (۱۱۱) این قانون است.</p>	<p>ماده ۸۹ - دستگاه های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ مکلفند دستورات دیوان را در مقام اجرای حکم اجرا کنند. تخلف از مقررات این ماده، علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی حسب مورد، مستوجب مجازات مقرر در ماده (۸۳) این قانون است.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۱۷ - دستگاه های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ مکلفند دستورات دیوان را در مقام اجرای حکم اجرا کنند. تخلف از مقررات این ماده، علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی حسب مورد، مستوجب مجازات مقرر در ماده (۱۱۱) این قانون است.</p>
<p>ماده ۱۱۸ - در اجرای بند «۱» ماده (۱۱۰) این قانون، چنانچه مسؤول مربوطه پس از احضار بدون عذر موجه، در واحد اجرای احکام دیوان حاضر نشود، دادرس اجرای احکام مطابق تبصره «۲» ماده (۴۴) این قانون، اقدام می نماید.</p>	<p>ماده ۹۰ - در اجرای بند «۱» ماده (۳۶) قانون دیوان عدالت اداری، چنانچه مسؤول مربوطه پس از احضار بدون عذر موجه، در واحد اجرای احکام دیوان حاضر نشود، دادرس اجرای احکام مطابق تبصره «۲» ماده (۳۱) قانون دیوان عدالت اداری، اقدام می نماید.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۱۸ - در اجرای بند «۱» ماده (۱۱۰) این قانون، چنانچه مسؤول مربوطه پس از احضار بدون عذر موجه، در واحد اجرای احکام دیوان حاضر نشود، دادرس اجرای احکام مطابق تبصره «۲» ماده (۴۴) این قانون، اقدام می نماید.</p>
<p>بخش پنجم - سایر مقررات</p>	<p>مبحث ششم - سایر مقررات</p>	<p>***</p>	<p>بخش پنجم - سایر مقررات</p>
<p>ماده ۱۱۹ - شعب تشخیص فعلی دیوان پس از رسیدگی به پرونده های موجود منحل می شوند.</p>	<p>ماده ۹۲ - شعب تشخیص فعلی دیوان پس از رسیدگی به پرونده های موجود منحل می شوند.</p>	<p>۱۰ - در مواد (۶۷) و (۹۲) نیز ایراد بند (۶) وارد است.</p>	<p>ماده ۱۱۹ - شعب تشخیص فعلی دیوان پس از رسیدگی به پرونده های موجود منحل می شوند.</p>

متن مصوبه (۱۳۸۹/۱۰/۰۸)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۲/۲۰)	نظر شورا (۱۳۹۰/۰۳/۰۴)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۵/۰۴)
<p>ماده ۱۲۰ هرگاه ضمن رسیدگی به موضوعی در دیوان، رئیس دیوان در جریان تضييع حقوق عمومي و يا منافع بيت المال قرار گيرد، موظف است مراتب را حسب مورد به سازمان بازرسی کل کشور، دادستان کل کشور و دیوان محاسبات کشور اعلام نماید.</p>	<p>ماده ۹۳ هرگاه ضمن رسیدگی به موضوعی در دیوان، رئیس دیوان در جریان تضييع حقوق عمومي و يا منافع بيت المال قرار گيرد، موظف است مراتب را حسب مورد به سازمان بازرسی کل کشور، دادستان کل کشور و دیوان محاسبات کشور اعلام نماید.</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۲۰ هرگاه ضمن رسیدگی به موضوعی در دیوان، رئیس دیوان در جریان تضييع حقوق عمومي و يا منافع بيت المال قرار گيرد، موظف است مراتب را حسب مورد به سازمان بازرسی کل کشور، دادستان کل کشور و دیوان محاسبات کشور اعلام نماید.</p>
<p>ماده ۱۲۱ مقررات مربوط به رد دادرس و نحوه ابلاغ اوراق، آراء و تصميمات ديوان و وکالت و ساير موارد سکوت در اين قانون به ترتيبی است که در قانون آئين دادرسی دادگاه های عمومي و انقلاب (در امور مدني) و قانون اجرای احکام مدني مقرر شده است.</p>	<p>***</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۲۱ مقررات مربوط به رد دادرس و نحوه ابلاغ اوراق، آراء و تصميمات ديوان و وکالت و ساير موارد سکوت در اين قانون به ترتيبی است که در قانون آئين دادرسی دادگاه های عمومي و انقلاب (در امور مدني) و قانون اجرای احکام مدني مقرر شده است.</p>
<p>ماده ۱۲۲ بودجه ديوان در ردیف مستقل ذيل ردیف بودجه قوه قضائيه منظور می گردد.</p>	<p>***</p>	<p>***</p>	<p>ماده ۱۲۲ بودجه ديوان در ردیف مستقل ذيل ردیف بودجه قوه قضائيه منظور می گردد.</p>
<p>ماده ۹۴ در بند (۲) ماده (۱۳) قانون ديوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵ عبارت «هیأت های بازرسی» به «هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری» اصلاح و عبارت «کمیسیون موضوع ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل های منابع طبیعی و اصلاحات بعدی آن» و همچنین عبارت «نیروهای مسلح» در ذیل تبصره (۲) این ماده حذف می گردند.</p>	<p>ماده ۱۲ در ماده (۹۴)، حذف عبارت «نیروهای مسلح» ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهارنظر می گردد.</p>		
<p>ماده ۱۲۳ از تاريخ لازم الاجراء شدن اين قانون، قانون عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵/۹/۲۵ و اصلاحات بعدی آن و آئين دادرسی ديوان عدالت اداری مصوب ۱۳۷۹/۲/۲۶ قوه قضائيه لغو می شود.</p>	<p>ماده ۹۵ از تاريخ لازم الاجراء شدن اين قانون مواد (۷)، (۸)، (۱۰)، (۱۶)، (۱۸) و تبصره (۲) ماده (۲۱) و ماده (۳۷) قانون ديوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵ لغو می شود.</p>	<p>ماده ۱۳ ماده (۹۵)، مبنياً بر ايرادات وارده بر اين مصوبه، بايد اصلاح شود.</p>	<p>ماده ۱۲۳ از تاريخ لازم الاجراء شدن اين قانون، قانون ديوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۹/۲۵ و اصلاحات بعدی آن و آئين دادرسی ديوان عدالت اداری مصوب ۱۳۷۹/۲/۲۶ قوه قضائيه لغو می شود.</p>
<p>لايحه فوق مشتمل بر يكصد و بيست و سه ماده و سي و هشت تبصره در جلسه مورخ بيست و يكم مهرماه يکهزار و سيصد و هشتاد و نه كميسيون قضائي و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنج (۸۵) قانون اساسی به تصويب رسيد و مجلس در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ يكم دی ماه يکهزار و سيصد و هشتاد و نه با اجراء آزمایشی آن به مدت سه سال موافقت نمود.</p>	<p>اصلاحات فوق در جلسه مورخ سی ام فروردین ماه يکهزار و سيصد و نود كميسيون قضائي و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنج (۸۵) قانون اساسی به تصويب رسيد و مجلس در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ يكم دی ماه يکهزار و سيصد و هشتاد و نه با اجراء آزمایشی آن به مدت سه سال موافقت نمود.</p>	<p>***</p>	<p>اصلاحات فوق در جلسه علنی روز يکشنبه مورخ دوم مردادماه يکهزار و سيصد و نود مجلس شورای اسلامی به تصويب رسيد.</p>
			<p>اداره قوانین ۱۳۹۰/۰۵/۱۵</p>